

مجموعه گفتار «پدر طالقانی»

(۱)

خطبه های نماز جمعه

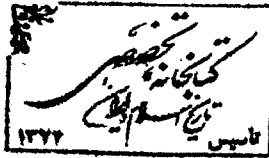
و

عید فطر



مجموعه گفتار «پدر طالقانی»
(۱)

خطبه های نماز جمعه و عید فطر

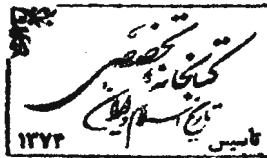




✪ خطبه‌های نماز جمعه و عیدفطر
✪ انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران
* چاپ دوم
✪ مهرماه ۵۸
✪ حق طبع محفوظ

فہرست

۵	توضیحی بر انتشار مجموعہ حاضر
۷	نماز جمعہ اول
۷	خطبہ اول
۱۳	خطبہ دوم
۱۵	نماز جمعہ دوم
۱۵	خطبہ اول
۱۷	خطبہ دوم
۲۳	نماز جمعہ سوم
۲۳	خطبہ اول
۲۴	خطبہ دوم
۳۰	نماز جمعہ چہارم
۳۰	خطبہ اول
۳۱	خطبہ دوم
۳۷	نماز عید فطر
۳۷	خطبہ اول
۴۳	خطبہ دوم
۴۷	نماز جمعہ پنجم
۴۷	خطبہ اول
۵۰	خطبہ دوم
۵۶	نماز جمعہ ششم
۵۶	خطبہ اول
۶۰	خطبہ دوم
	ہاورقیہا



شش نماز جمعه و يك نماز عید فطر، که پس از نابودی رژیم
مزدور شاه خائن و پیروزی انقلاب به امامت مجاهد اول،
«پدر طالقانی» در دانشگاه تهران و بهشت زهرا برگزار شد.

توضیحی بر انتشار مجموعه حاضر

بسم الله الرحمن الرحيم

تا قبل از فقدان "پدر طالقانی" که براستی پدرمان بود، بخواسته خودش رسم بر این بود که سخنرانی‌هایش را، پس از آنکه از نوار پهناده می‌کردیم، بحضورش میدادیم تا نگاه و مرور دوباره‌ای بر آنها داشته باشد. و گاه تصحیح و اصلاحی، و در صورت لزوم حذف و اضافاتی نیز انجام دهد. و سپس آنها را چاپ و منتشر می‌کردیم. (۱)

اما اینک با حسرت و اندوه، میدانیم که او در میان ما نیست، تا هر چه "پدرانه‌تر" راهمان بنمایاند و گاه تشویقمان کند... و حال ما مانده‌ایم و رسالتها و وصیتها و بخشی از کارهای "پدر" که مشتاقانه و بعنوان انجام وظیفه، خلف‌وار انجام خواهیم داد.

در همین رابطه و بدنبال سنت گذشته، بهتر دیدیم که قبل از هر چیز برای نشر و اشاعه دیدگاهها و نقطه‌نظرها، رهنمودها و بالاخره وصایای "پدر طالقانی" در بین توده‌های مردم، که "پدر" آنها را دوست میداشت و بآنها عشق می‌ورزید و همواره حضورشان را درک میکرد، و یگانه مرجع ذیصلاح تصمیم‌گیری و انتخابشان میدانست، اقدام کنیم. تا هرکس به نوبه خویش مسئولیتش را در قبال "پدر" بشناسد و آنگاه انجام دهد.

بهمین خاطر و با علاقه‌ای که خود "پدر طالقانی" در مورد چاپ و نشر سخنرانیهایش داشت، و بارها با لبخندی سراپا مهر، گفته بود: "چرا این سخنرانی را چاپ نمی‌کنید؟..."، تصمیم گرفتیم که مجموعه سخنرانیهای "پدر" را که پس از پیروزی انقلاب تا لحظه‌ی جانکاه مرگش، ایراد کرده بود، به‌مراه خطبه‌های تمامی نماز جمعه‌هایش و هم‌چنین همه‌ی برنامه‌های "قرآن در صحنه"، هر کدام را در یک مجلد مستقل چاپ و در دسترس علاقمندان قرار دهیم.

لازم بتذکر است، همچنانکه گفتیم اینبار "پدر" نیست تا متن پهناده شده از نوار را از نظرش بگذرانیم و لذا، بهمان شکل، صمیمانه، همانگونه که با ما سخن گفته بود، بدون، حذف و اضافه‌ای اساسی منتشر می‌کنیم.

و اینک مجموعه ۶ نماز جمعه و نماز عید فطر که تقدیمتان می‌کنیم.

مجاهدین خلق ایران

نماز جمعة اول، در دانشگاه تهران
دوم رمضان - پنجم مردادماه ۵۸

خطبة اول

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان
هدانا الله الحمد لله الذي نصر عبده واعز جنده وهزم الاحزاب وحده وله الملك
وله الحمد. يحيى ويميت ويحيى وهو حي لا يموت بيده الخير. وهو على كل شئ قدير،
اللهم صل وسلم وبارك وترحم علي جميع انبيائك ورسلك وملائكتك المقربين و
الشهداء والصديقين ، سيما علي رسولك الذي ارسلته بالهدى ودين الحق . ليظهره
علي الدين كله ولو كره المشركون ولو كره الكافرون وصل علي اله واصحابه المنتجبين
الي يوم الدين .

درود ما ، صلوات ما ، بر همه انبيا
و مرسلين و گشايندگان راه حق و توحيد و
بر همه شهدای راه حق ، بخصوص خاتم
انبياء آنکه او را براستی و دين حق و هدايت
ارسال داشت تا اين دين را بر همه اديان
برتری بخشد ، گرچه مشرکان نخواهند ، گرچه
کافران نپسندند .

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم . بسم الله الرحمن الرحيم . يا ايها الذين
امنوا اذا نودي للصلاة فاسعوا الي ذكر الله و ذروا البيع (۱) .
اين آيه دستور اجتماع توحيدى و عظيم جمعه است . همين اجتماعى كه سالها در متن

ما مسلمانان ایران بصورت نیمه تعطیل درآمده بود و امروز طلوعه انجام این فریضه بزرگ الهی، و این صف بزرگ توحید و جهاد است. همانروزی که پیامبر ما، رهبر عظیم‌الشان ما، هادی بشر و نجات دهنده از شرک و کفر و الحاد، رسول اکرم از مکه به مدینه هجرت فرمود. در جنوب شهر یثرب که هنوز به نام مدینه الرسول نام‌گذاری نشده بود، چند روزی در همین محل مسجد قباى فعلی توقف فرمود. پس از آن روز جمعهای بود که حرکت کرد از مسجد قبا به طرف مدینه، یعنی اولین حرکت تأسیس اجتماع توحیدی، اجتماع خدائی، اجتماع قسط و عدل الهی در دنیای شرک و کفر و ظلم و ظلمت‌ها. در میان راه بین مسجد قبا و مدینه اولین نماز جمعه را اقامه فرمود، یعنی اولین شکل صف توحیدی، صف اقامه قسط، صف جهاد. نماز جمعه مظهر کاملی است از صف توحیدی ملت اسلام و در عین حال آگاهی، تنبیه، هشجاری، افشا کردن دسایس دشمن و مطلع کردن همه مسلمانان به وظایف و مسئولیت‌هایی که لااقل در مدت یک هفته در پیش دارند. نماز، نماز جمعه، صف عبادت، صف حق‌پرستی، صف روابط قلوب و وجدانهای بیدار خدا پرستان و در عین حال صف نظام، صف جنگ، صف فرماندهی و فرمانبرداری. از این جهت برای امام جمعه شرایطی خاص قائل‌اند که هم بتواند فرماندهی کند، هم بتواند آگاهی بدهد، و از حوادث کشورهای اسلامی، جامعه مسلمین، دسیسه‌های زیر پرده، مسلمانان را آگاه کند.

آن صف متحدی که در بیابانهای مدینه، در ابتدای هجرت و در آغاز تأسیس مجتمع قسط و عدل اسلامی تأسیس شد، گسترش پیدا کرد، ادامه یافت، شرق و غرب دنیا را این صف فرا گرفت. همانطوری که من در مصاحبه شب گذشته تذکر دادم فلسفه تعطیل شدن یا نیمه تعطیل شدن نماز جمعه در میان ما مسلمانان، ما شیعیان همین است که صف نماز جمعه یک صف عبادت و سیاست و اجتماع اسلامی است و باید وسیله رهبرهایی که از مردم و از طرف خدا منتخب شده‌اند تشکیل بشود، ولی بعد از اینکه اسلام و موازین و احکام اسلام بصورت‌هایی دیگر و انحرافی در آمد و صف جمعه وابسته به صف طاغوتها شد، شیعه در اقامه این جماعت و اقامه این اجتماع توقف کرد. ولی امروز که طاغوت‌ها و طاغوتیان و طاغوت این کشور سرنگون شده است و رهبری، رهبری الهی است، امامت است، عدل است، قسط است باید ما و همه برادران ما در شهرها و قصبات و اطراف کشور، همانطوری

که امام خمینی خواستند این صف را تشکیل بدهند. یعنی این صفی که اکنون در یک گوشه تهران با نبودن وسایل یا پیش‌گیری نکردن از جا و محل و شرایط تأسیس شده و با همه کشور شیعه و کشور اسلامی، با همه برادران سنی و شیعه، ما باید ارتباطمان را محکم کنیم، و در همه جا کسانی که دارای چنین شرایطی باشند که در فقه ما بهمان شده‌است اقامه‌کنند، این صفی است که نه تنها در داخل مرزهای ایران، بهم باید پیوسته بشود بلکه این حلقه‌ای که سست شده بود یا قطع شده بود با دیگر کشورهای اسلامی باید پیوسته بشود. این چه قدرتی است؟ این چه عظمتی است؟ آیا هیچ قدرتی در دنیا می‌تواند چنین صفی تشکیل بدهد؟ شما برادران، شما خواهان، در این ماه مبارک رمضان زبانهای تشنه و شکم‌های گرسنه، با نبودن وسایل و جا چندین ساعت به انتظار نماز جمعه یعنی اقامه حق، اقامه عدل، اقامه قسط نشست‌اید. این فرمان روز است که فرمان ایمانی است. کدام فرمانی، کدام حزبی، کدام رهبری، غیر از رهبرهای اسلامی، چنین فرمانی و چنین اطاعتی می‌توانند در کشورها و جمعیت‌های خودشان تأسیس کنند؟ این صف از همان وقتی رسول خدا اقامه کرد تا امروز برپاست. همین صفی که امروز نشست‌اید، به طرف غرب بروید تا کشورهای عربی و شمال آفریقا و اواسط آفریقا، این صف شما متصل است. مسلمانها! شما قوی‌ترین امت دنیا هستید چون متکی به حق و یک صف می‌باشید.

کدام کشور، کدام بلوک، کدام مکتب دارای چنین صفی است؛ از طرف شرق بروید پاکستان، افغانستان، هندوستان، اندونزی، این صف متصل است. چشم به هم بگذارید و چشم دید باطن خود را باز کنید، می‌بینید که صف قوی که ما داریم چنین صفی را با پول، با رشوه، با فریب نمی‌توان فراهم کرد، جز حق، جز ایمان خالص، جز فرمان الهی. همین صف است که دشمنان ما را مرعوب می‌کند. همین است که دشمنان زخم خورده ما را برای این که این صف را قطع کند و متلاشی کند، و مسلمانانی را که در بهترین سرزمین‌ها و بالای منابع عظیم ثروت‌های مادی و معنوی، عرفانی و هشیاری عالی‌ترین، متلاشی کند. فلسفه انسانی و حیات را در بردارد آنها از همین نگرانند. عوامل آنها هم که هر روز بهانه‌جوئی می‌کنند، از همین نگرانند که اگر این صف محکم شد، گسترده‌تر شد، پیوسته‌تر شد، دیگر جایی برای نفوذ استعمار شرق و غرب و مکتبهای دیگر نمی‌گذارد. این صف عظیم توحید است. صف

عبادت است، صف نماز است، صف جهاد است. چنانچه دشمنان دسیسه کنند اگر چند روزی هم تعطیل کنند، همانطوری که ۱۴ قرن است تعطیل نشد، تعطیل نخواهد شد. همین دسیسه‌های احمقانه در اطراف کشور ما چه می‌کنند، چه می‌خواهند، چرا برادرکشی راه می‌اندازند؟ برای این که این صف را متلاشی کنند، برای این که این وحدت را از میان بردارند. وحدتی که از درون دلها و وجدانها سرچشمه گرفته، وحدتی که با رهبری‌های قاطع اسلامی بحرکت درآمده دنیا را نگران کرده است. آمریکا، امپریالیست‌اروپا، صهیونیسم، همه بوحشت افتاده‌اند. با کارهای احمقانه‌ای که در سرحدات ما براه می‌اندازند گمان می‌کنند این صف را متلاشی می‌کنند ولی جز رسوائی برای خود نمی‌گذارند. جنگ ایجاد می‌کنند، مگر ما کم سپاه داریم، سپاه ما مخصوص به برادران ارتش ما نیست. زن و مرد، کوچک و بزرگ، سپاه اسلام است و پاسدار اسلام است.

استعمار بیاید جلو، قشونش را بیاورد جلو. حالا که از پشت پرده می‌آید، آشکار بیاید، یا همه ما باید بمیریم، یا استعمار را در تمام دنیا دفع خواهیم کرد.

اگر بجای خود ننشینند، من پیرمرد، من ضعیف، من مریض مسلسل بدست می‌گیرم پشت تانک می‌نشینم، امام خمینی هم پشت تانک می‌نشیند، بچه‌های کوچک ما، زنهای ما، خواهران ما با که می‌خواهند بجنگند. چرا اخلال می‌کنند؟ مسئله دیگری که جریان روز است مسئله انتخاب مجلس خبرگان است. ما نمی‌خواهیم بگوئیم این مجلس بی‌عیب و نقص است، به هر صورت که باشد مسلماً "یک مجلس کامل و تامی نخواهد بود، کسی ادعا نمی‌کند. اگر بصورت انتخابات بیشتر و گسترده‌تر و افراد بیشتری هم باشند، باز هم آنهایی که نق باید بزنند نق می‌زنند، یک عده حرفشان و گروهشان منفی‌بافی است. کار مثبتی که ندارند، فقط با ایراد گرفتن، اینجا همچین شده آنجا همچین شده، البته همه مردم، همه اقشار و همه گروهها باید شرکت کنند، آزادند در شرکت کردن. من تعجب می‌کنم بعضی گروهها می‌گویند آزادی نیست. پس معلوم میشه مفهوم آزادی هم مفهوم خاصی است که فقط مثل مفهوم قشر، طبقه و دیگر لغت‌ها عده خاصی می‌فهمند، کسی مانع شده از این که کسی رای بدهد؟ کاندیدی بدهد؟ ما این طرف مسئله را بررسی می‌کنیم.

البته همانطوری که همه برادران، فرزندها و خواهرهای من می‌دانند، من همیشه سعی کردم تا از میزان حق و عدل در برابر هر کس منحرف نشوم و این آیه

شریفه همیشه در مقابل چشم من هست: یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین لله، شهداء بالقسط، ولا یجرمنکم شان قوم علی الا تعدلوا^(۲). قسط را اقامه بدارید، برای خدا گواهی بدهید. کدورت‌ها، کینه‌ها، نسبت به کسی دارید مانع از این نشود که قضاوت به حق کنید. عدل را رعایت کنید. لایجرمنکم شان قوم علی الا تعدلوا، عدلوا، هو اقرب للتعوی، عدالت است که نزدیک به تقوی است. ما اینطرف مسئله را بررسی می‌کنیم که عده‌ای مدعی هستند آزادی نیست. گاهی یک درگیریهایی موضعی، یک چند نفر اشخاص، ناآگاه یا غیر مسئول عملی انجام می‌دهند، در این روزنامه‌ها ببینید چه جار و جنجالی و چه هوچیگری‌ها راه می‌اندازند که آزادی نیست. آیا کسی جلوی کسی را گرفته؟ سلب آزادی به بوسیله پول یا ارتش است؟ قدرت است؟ اینها مردم هستند، همین خلقی که عده‌ای طرفدارش هستند. اینها هستند رای می‌دهند. اینها هستند که دنبال رهبر هستند. ما نمی‌دانیم این خلق این قشری که حقش تضییع شده و آزادی سلب شده، اینها کیها هستند؛ اگر این مردم اند که همه پشت سر رهبراند، همه وظیفه دینی و اسلامی‌شان را از ابتدای این حرکت، این جنبش، این انقلاب انجام دادند حالا هم دارند انجام می‌دهند. البته نابسامانی‌های اقتصادی هست، اعتراضاتی است که اغلب من خودم گفتم در کار دولت، در بعضی گروهها در بعضی از کمیته‌ها ولی این مسئله غیر از این هست که هی تکیه کنند قشر خلق حقش تادیبه نمی‌شود. این قشر خلق اند.

روز سه‌شنبه دو هفته گذشته قشر خلق بودند. پس این قشر خلقی که حقش تضییع شده ما نمی‌دانیم که هستند؟ لابد اجنه هستند که به چشم نمی‌آیند اینها قشر خلق اند. یک مسئله‌ای هست و آن این است که، این خصایص و موازین رهبری که برای رهبری و یا باصطلاح روحانیت شیعه و اسلام بطور عموم یک خصایصی را در این لباس قرار داده روی سنتها و قیاسها که من کلمه «روحانی» یا آخوند را کلمه «اصیل» نمی‌دانم فقها یک خصایصی دارند همه آن حتی بدهاشان هم مجبورند یک حدودی را حفظ کنند. چون دارای چنین خصایصی هستند. همه مردم، از آخوند ده گرفته تا یک مرجع تقلید را زیر ذره‌بین می‌گذارند.

تمام جزئیات زندگی اینها را زیر نظر دارند. پول دارد؟ ندارد؟ کلاه سر کسی گذاشته؟ یا نه؟ دروغ گفته یا نگفته؟ پس اینها بطور خود بخود در یک کشور اسلامی گزیده می‌شوند. این امر طبیعی است ولی افراد دیگر نه سوابقشان مشخص

است، هر روز به یک رنگ درآمده‌اند و اینطور شناخته نشده‌اند. با همه اینها من معتقدم که باید در این مجلس تمام گروهها راه پیدا کنند. و ما تابع دستور قرآنیم: *فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هديهم الله والى الله مرجعهم اولئك* (هم اولوا الاباب^(۳)) این درس ماست. این مکتب ماست که حرف حساسی را بشنویم صاحب عقلها، هدایت یافته‌ها چنین هستند. این وسیله کمال انسانی است که حرف طرف، حرف مخالف شنیده بشود و بعد بهترین گرفته شود. در مجلس ما هم باید مخالفین بیایند اگر نیایند هم، ما باید دعوتشان کنیم تا اینکه حرفشان گفته شود. قانون اساسی ما از اسلام ناشی شده، منشاء گرفته، اصول اسلام قسط است و عدل است و حق. هر ایده‌ای که هر گروهی بدهند اسلام چند قدم جلوتر است. البته اینها باید بتدریج پیاده شود، بنابراین ما نباید هیچ وحشت کنیم که گروههای دیگر راه پیدا کنند و حرفشان را بزنند، بلکه باید از اینها دعوت کنیم. والا پنجاه نفر، شصت نفر، هم لباس، هم فکر که یکجا جمع بشویم همه یک رای داریم، چون از آن موازین نمی‌توانیم خارج شویم. مجلس اصیل این است که همه آراء گفته شود، همه این مسائل بررسی شود. از این جهت باید راه پیدا کنند.

من هم خسته‌ام، شما هم خسته‌اید. در میان آفتاب، زبان روزه همه باید از هم دیگر عذر بخواهیم ولی چه بکنیم؟ ما من نسبت به خودم چند بار خواستم در اثر بیماری که دارم، مرض است، بعضی‌ها خیال می‌کنند من تمارض می‌کنم پزشکان معالج من می‌دانند، همه دوستان هم می‌دانند، چند بار خواستم عذر بخواهم از پذیرفتن نمایندگی مجلس خبرگان ولی دوستان و رفقا مرا باز داشتند، تا آنجائی که جان دریدن دارم و می‌توانم خودم را بکشم، مثل گذشته امیدوارم خداوند بمن توفیق بدهد تا وظیفه خودم را انجام دهم. و یک نکته دیگر هم که باید توجه کنیم که یکی از حیل‌های دشمن اینست که یک مخالف را، بصورت دشمن قوی در می‌آورد و گاهی هم دشمنی را می‌سازد برای اینکه پشت درگیری بین این دو گروه بتواند دسایس خودش را انجام بدهد. این قدری هم که دشمن را بزرگ می‌کنند، آنقدر بزرگ نیست. ما نباید همه حس و شعور و فکر و ذهنمان را متوجه به این بکنیم. ما باید خودمان را بسازیم، بخصوص در این ماه مبارک که ماه تقوا است. ماه سازندگی است، ماه اخلاص است، ماهی است که انسانهایی که در ردیف حیوانات زندگی می‌کنند باید به‌گونه فرشته‌ها در بیایند و با فرشته‌ها در فضای ملکوت در این شبها، در این سحرها هم زمزمه

باشند و پرواز کنند و تسبیح گو باشند . ما باید بیش از اینکه به دشمن توجه کنیم خودمان را بسازیم ، صفهایمان را منظم کنیم . خداوند به همه ما ، بهمه شما ، توفیق عنایت کند و ما را در راهی که خیر و سعادت خودمان ، مردم دنیا و مسلمانان دنیا و مستضعفین دنیا و بصلاح آینده ما است همه ما را هدایت کند .
والسلام علیکم ورحمة الله

خطبه دوم

الحمد لله الذی... حبس نفسه علی ذات الله ، الحاکم بالکتاب ، الرسول -
المؤید الفاتح لما خلق و الخاتم لما سبق ، ابوالقاسم محمد و آله الطیبین الطاهرین
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم- یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء
بالقسط و لا یجر منکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی .

در خطبه گذشته ، اشاره ای بود به مسایل داخلی ما . اکنون نه تنها ما ، ما ایم
و همه دنیای اسلام . سرنوشت ما ، سرنوشت اسلام است ، سرنوشت مستضعفین اسلام
است . سرنوشت کسانی که در برابر استعمار و صهیونیست قرار گرفتند و عوامل
استعمار . و سرنوشت ما بهم پیوسته است . و ما نمی توانیم از آنها جدا باشیم ، آنها
هم نمی توانند از ما جدا باشند . ما باید به یاری آنها بر خیزیم ، آنها هم باید به
یاری ما و به کمک ما برخیزند . سرنوشت ما با مردم فلسطین جدا نیست . سرنوشت
ما با مردم اریتره جدا نیست ، با مردم فیلیپین جدا نیست . با دیگر مسلمانهای
مستضعف و تحت فشار عوامل استبداد داخلی و استعمار قهار خارجی ، هیچ جدا
نیست . الان در همه صفوف عالم اسلام همین مسایلی که اینجا مطرح می شود ،
آنجاها هم مطرح می شود .

وقت گذشته است ، بیش از این نباید طول بدهم . از خداوند می خواهیم که
همه مسلمانها را و همه گرفتارها را و همه مستضعفین را یاری دهد . (الهی امین) .
و خداوند مردم فلسطین را تقویت کند . (الهی امین) خداوند آنها را بر صهیونیسم
و اسرائیل زخم خورده و دیوانه ، پیروز گرداند . (الهی امین) و همینطور دیگر
مسلمانهای ما را . خداوند همه ما را یاری بدهد . و این وعده الهی است که " ان -
تنصروا الله ، ینصرکم ، ویثبت اقدامکم " اگر واقعا " ما خدا را - که خدا احتیاج به
یاری ندارد - یعنی اراده خدا ، مشیت خدا ، خواست خدا ، عدالتی که خدا میخواهد ،

قسطی که خدا می‌خواهد. اگر یاری کنیم، وعده داده‌است که خداوند هم ما را یاری خواهد کرد و قدم‌های ما را محکم خواهد کرد.

پروردگارا، درود فراوان ما، - تحیات ما، صلوات و سلام ما را به روح همه بزرگان، پیشروان حق، شهدای ما، شهدایی که در این مدت و در این چند سال اخیر خون خودشان را، رایگان برای اقامه حق و از میان بردن طاغوت ریختند، خداوندا، درود ما را به همه آنها بفرست. ارواح آنها را با شهدای اولی ما، شهدای بدر، احد و کربلا - خداوندا متصل بگردان. آنها را با آنها محشور بگردان. خداوندا به همه ما هم توفیق خدمت و ثبات قدم و آرزوی شهادت و رسیدن به شهادت در راه حق، خداوندا عنایت بفرما.

رحم الله ورحمکم و سلام علیکم و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات و السلام
علیکم ورحمة الله و برکاته.

نماز جمعه دوم، در دانشگاه تهران نهم رمضان - دوازدهم مردادماه ۵۸

السلام علیکم جمیعا" ورحمة الله و برکاته قبل از شروع به خطبه رسمی، همانطوریکه بارها تذکر داده شده و توجه دارید، خطبه نماز جمعه جزء نماز است. یعنی همان آدابی که برای نماز هست، از جهت توجه و سکوت، در خطبه نماز جمعه هم لازم هست. از این جهت در بین خطبه شعار داده نشود و اگر هم صلواتی، درودی می فرستید آهسته باشد. مطلب دیگر این است که در هفته گذشته متوجه شدیم که عده ای از برادران و خواهران ما مدتها با زبان روزه در زیر آفتاب گرم بوده و ناراحت شدند و حتی بعضی ها به حال غش و بیهوشی افتادند. از این جهت این تذکر لازم است که کسانی که برادران، چه خواهران ما با این شرایط و فضای فعلی ماه مبارک رمضان اگر دچار یک ناراحتی هایی که بیش از تحمل معمولی است می شوند، نماز از آنها ساقط است و یا چنانچه گرفتاریهای دیگری داشته باشند.

خطبه اول

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی يؤمن الخائفین وینجی الصالحین ویرفع المستضعفین و یضع -
المستکبرین و یهتک ملوکا و یمتخلف آخرین الحمد لله قاصم الجبارین - مبر الظالمین
مدرک البهارین نکال الظالمین - صریخ المستصرخین موضع حاجات الطالبین
معتمد المومنین^(۴) اللهم صل و سلم و بارک علی محمد عبدک و رسولک الذی ارسلته
بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و صل علی جمیع الانبیاء والمرسلین و
الملائکة المقربین والصدیقین والشهداء والصالحین و صل علی امیرالمومنین و صل

علی فاطمه الزهرا سیده النساء العالمین و علی سبطی الرحمه امامی الهدی الحسن
 و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و
 علی بن موسی و محمد بن علی و علی ابن محمد و حسن بن علی و الخلف الهادی -
 المهدی علیهم صلوات الله جمیعاً " یا ایها الذین امنوا اتقوا الله حق تقاته و
 لاتموتن الا و انتم مسلمون و اعتصموا بحبل الله جمیعاً " و لاتفرقوا و اذکروا نعمه
 الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی
 شفا حفره من النار فانقذکم منها كذلك ینبئ الله لکم آیاته لعلکم تهتدون -
 تقوا، باز هم تقوا، تقوا مسیر رشد و حرکت انسانی است. ضبط نفس، حاکمیت ایمان،
 توجه به حق، خودداری از انحرافهای فکری و اخلاقی و عملی اتقوا الله حق تقاته
 انسان که میوه پرباری است از این درخت طبیعت بوسیله ایمان و تقوا باید به حد
 عالی رشد خود برسد. آنگاه است که می تواند منشأ تغییر و نمو و رشد دیگران
 باشد. " و لاتموتن الا و انتم مسلمون " سعی کنید که بوسیله تقوا هر چه بیشتر رشد
 یابید. از آفتها محفوظ بمانید تا آنگاه که مرگ فرا رسد تسلیم اراده خدا و مشیت
 الهی باشید. با تقواست که می توانید هشیار باشید و به ریسمان توحید و ریسمان
 ایمان همه متمسک شوید " و اعتصموا بحبل الله جمیعاً ". این ریسمانی است که شما
 را از سقوط نگه می دارد، از ذلت نگه می دارد. این ریسمانی است که می توانند به
 وسیله آن انسانها و استعدادها هر چه بیشتر شکوفا شوند و تعالی یابند. " اعتصموا
 بحبل الله جمیعاً " و لاتفرقوا ". نعمت خدا را بیاد بیاورید که شما همه با هم دشمن
 بودید و در تاریکی شرک و جاهلیت بسر می بردید و همه از اشباح یکدیگر متنفر
 بودید. نور ایمان، نور وحی تابید و همه یکدیگر را شناختید " فاصبحتم بنعمته
 اخوانا ". همه در معرض سقوط بودید " و کنتم علی شفا حفره من النار ". این رسالت
 الهی بود که شما را نجات داد. باید متوجه این نعمتها باشید. " یا ایها الذین -
 امنوا اتقوا الله حق تقاته و لاتموتن الا و انتم مسلمون (۵). عفی الله لنا و لکم ولجمیع
 المومنین و المومنات و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

"الحمد لله الذي يسبح له ما في السموات وما في الارض الملك القدوس العزيز الحكيم ، و الصلوة والسلام على محمد ، الذي ارسله ليزكي الناس و يعلمهم - الكتاب والحكمه و على اله الطيبين الطاهرين واصحابه المنتجبين اعوذ بالله من الشيطان الرجيم " . "يسبح لله ما في السموات و ما في الارض الملك القدوس العزيز الحكيم " .

تسبیح می نمایند خدای را ، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ، همان مبداء قدرت ، همان خدایی که ملک است ، متصرف است ، پاک و منزّه است "الملك - القدوس" خدایی که اراده اش قاهر است ، خدایی که کارش حکیمانه است . همان خدا برانگیخت از میان مردم امی ، پیامبری از آنها که آیاتش را بر آنها تلاوت کند ، و تزکیه کند ، آنها را ، و تعلیم بدهد به آنها کتاب و حکمت را ، همه عالم از نظر شناخت ما ، شناخت وحی ما ، قرآن ما ، مسیح هستند . همه تسبیح می گویند ، همه در حرکت تسبیحی هستند . "ما في السموات و ما في الارض" همه در طریق کمالند ، همه کوشا هستند تا خود را از پلیدها و نفسها برهانند . تسبیح از سباحت یعنی شناوری می باشد . انسان شناور در میان طوفانهای دریا ، امواج آب چگونه می تواند خود را به ساحل نجات برساند ؟ چشم به ساحل دوختن و امید به نیرو و قدرت خود داشتن و حرکت منظم در جهت دست و پا انجام دادن و از طوفانها نهراسیدن . این تسبیح است ، این سباحت است که انسان شناور را به ساحل نجات می رساند . انسان مسیح از نظر مکتب ما ، مکتب توحید و مکتب الهی ، همه موجودات دارای شعور خاصی هستند . شعوری است ساری در همه موجودات ، چون همه بهره ای از وجود دارند . وجود ، علم است و قدرت است و شعور است و کمال . همانطوری که قرآن می گوید "ان من شی الا یسبح بحمده و لكن لا تفقهون تسبیحهم" . تمام موجودات تسبیح گو هستند ولی شما نمی توانید بفهمید ، نمی توانید درک کنید ، همه در حرکتند ، همه از نفس پلیدی خود را می رهانند ، همه با این شعور ساری به طرف حق و کمال رهسپارند . ولی شما نمی فهمید ، شما درک نمی کنید ، هر ذره ای در عالم در حرکتی که دارد سعی می کند در این حرکت شناوری ، خود را از پلیدی ، آلودگی نفس برهاند

و همه در یک مسیر و رو به یک هدف که "الی الله ترجع الامور"، الی الله تصیر - الامور". همین فرد فرد ما انسان که از خود بی خبریم. میلیاردها سلولی که ما از آنها ساخته شده ایم در حرکت شناوری هستند. هرنفسی که می کشیم ذرات هوا در تمام اطراف بدن ما و اعضای ما شروع می کنند، کدورتها، نفسها را برطرف کردن، سمومات را برطرف کردن و به بیرون فرستادن و بدون را از سمومات و بیعاریها پاک می کنند. تمام حرکتهایی که در بدن انسان است همه در حرکت شناوری و سباح است.

آدم همه در تسبیح، انسان، وجود انسان، بدن انسان، سراپا تسبیح گوست ولی در این میان این انسانی است مختار، عاقل که خود را آلوده می شمرد و از حرکت باز می ماند این رسالت برای همین است. این انسان را هماهنگ با همه نظامات جهان کنند و تسبیح گو باشد. محیطش را، اخلاقش را، نفوس خود را از آلودگیها دائما "پاک نگه دارد و مجتهدش را دائما" بکوشد که پاک باشد. امروز شما برادرها و خواهرها، به طرف صندوقهای رای رفتید، این حرکت انسانی، این حرکت الهی، از جنبه ایمانی، وظیفه و مسئولیت اجتماعی، یک حرکت تسبیحی است یعنی رای می دهند به کسانی که منزه ترین آگاهترین، مستشهرترین افراد هستند. برای چه؟ برای تنظیم قانون اساسی. یعنی قانونی که بتواند محیط را از استعمار، استبداد و استثمار و ظلم و خودخواهیها و امتیازجوییها پاک نگه دارد وسیله رشد استعدادها را فراهم کند. این قانون خداست، خدا این را می خواهد، ما که می گوئیم قانون، قانون الهی، یعنی همون ارادهء خدایی که بصورت قانون از زبان انبیاء، از زبان وحی، اراده اش را بیان کرده و نسبت به هیچ فردی، هیچ کسی، هیچ موجودی حب و بغض ندارد و همه را یکسان می بیند. همه موجود و معبود و پدیدهء او هستند و به همه علاقمند است. برای همه رشد و کمال و سباح می خواهد. برای همه می خواهد که تسبیح گوی او باشند. اینکه ما می گوئیم قانون اساسی ما، قانون خداست، یعنی قانونی که از دماغهای بشر، احزاب، طبقه خاص و افراد معین نیست که به مصلحت گروهی، طبقه ای، فردی باشد و به زیان دیگران. یعنی قانونی که به مصلحت همه است. برای خیر همه است. برای رشد همه مخلوقات و همه انسانها است. خطابه های قرآن هم اکثرا "متوجه به همه مردم است. پس این حرکتی که شما می کنید، رأیی که می دهید، کسانی که جمع می شوند و قوانین الهی که صلاح و رحمت و

خیر و برای همه هست، استنباط می‌کنند و پیاده می‌کنند و قوانین طاغوتی، امتیازها، خودخواهیها و استثمارگریها و خودبینی‌ها و قدرت‌طلبی‌ها را طرد می‌کنند، این همین حرکت "تنزیهی" است. همین روزه شما حرکت تسبیحی است که فرمود: "وانفاسکم فیها تسبیح" یعنی هر وقت، هر آنی که از جهت احتیاج به گرسنگی و آب، تشنگی و آب، احساسی دارید و از جهت غریزی به آن طرف حرکت می‌کنید، ایمان شما را می‌کشد به طرف حق، به طرف خدا. پس یک مسلم، یک مؤمن، "ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی للهرب العالمین (۶)" حرکتش برای خدا، زندگی‌اش برای خدا، مرگش برای خدا، عبادتش برای خدا، اجتماعش برای خدا است. ما امیدواریم که این حرکتی که امروز انجام شد، عده‌ای از مردان صالح، مردان خیرخواه با سعه صدر، با بینش وسیع، با آشنایی به حوادثی که اطراف ما می‌گذرد و آشنایی به اراده خدا و مشیت الهی و اصول قوانین قرآن و اسلام بتوانند قانونی تنظیم کنند که همه مردم را رو به سعادت و تزکیه و تسبیح پیش ببرد.

آفتاب سوزان است و برادران و خواهران ما به زحمت هستند مطلب بسیار، وقت کم و آماذگی هم برای من چندان نیست. فقط چند نکته را تذکر می‌دهم که قبلاً هم تذکر داده شده. یکی اینکه مسلمونها، کسانی که تعبد دارید، ایمان دارید، عقیده دارید، در یک مسیر خاصی حرکت می‌کنید، اسلام همانطوری که بارها گفتم دین سعه صدر، دین بینش وسیع است. کتاب ما، وحی ما، نبوت ما برای همه بشر است. کاری نکنید که بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه این حقیقت، این اسلام پاک، این اسلام منزه، این اسلام عظیم، این اسلامی که باید مردم دنیا را از انحرافها و شرکها نجات بدهد، بصورتی در بیاید که دشمنها به ما خرده‌گیری کنند، اون کسی که، آن دستهای که بنام دین به گروهی حمله می‌کنند، به جوامع آنها، محل سخنرانی آنها، کتابخانه‌های بعضی از گروهها را مورد حمله قرار می‌دهند، اینها تصور نکنند خدمت به دین می‌کنند، با مسلمانهای ناآگاه هستند یا آلت دستند و هیچ توجه ندارند. اعلامیه‌ها و پوسترها را پارمی‌کنند. این کارهای کوچک و موضعی در گوشه‌های تهران، در یک دهی، در یک قصبه‌ای، در یک شهرستانی، بلندگوهای استعمار و اسرائیل و دشمنان ما شروع می‌کنند همین را وسیله قرار دادن که در ایران آزادی نیست. هم هتک حیثیت اسلام، هم هتک حیثیت رهبری آزادی نیست، در تاریخ

انقلابهای دنیا از انقلاب فرانسه و اکتبر و انقلابات دیگر نگاه کنید. کدام انقلابی بود که همون صبح انقلاب درها به روی همه مردم دنیا باز باشد؟ رفت و آمدها آزاد باشد؟ گروهها همه آنهايي که در انزوا بودند، همه بیرون بیایند و اظهار وجود کنند و کشتار دسته جمعی نشود. همین منشأ حسد برای دشمن های ما، که چرا به این آسانی انقلاب کردیم، چرا هر روز صدها، هزارها کشته ندادیم. هر روز تحریک می کنند. این است که بعضی از روزنامه ها هم یک حادثه کوچک را به خط درشت می نویسند. بعد هم ببینید روزنامه های غرب: آلمان، انگلستان. چرا بعضی در پوست خود مون هستیم و متوجه نیستیم؟ این اعمال نه مورد رضای خداست، نه مورد رضای پیامبر و اولیای اسلام، نه مورد رضای رهبری ماست، نه مورد رضای دولت ماست.

مسئله دوم: در این حوادثی که در بعد از انقلاب از کردستان شروع شد، ترکمنستان، جنوب، متأسفانه انگشت بعضی از گروههای چپ و چپ نما در تمام این حوادث دیده شده. من سعی کردم افراد بی طرف و بی نظری که اطلاعات را جمع - آوری می کردند افشاء نکنم برای حفظ وحدت، برای اینکه شاید توبه بکنند. به خود بیایند. شاید متوجه شوند. ولی متأسفانه می بینیم که هنوز هم این دستها در کارند. و اگر بیش از این به اعمال خودشون ادامه بدهند، برای همه ملت ایران کسانی که اطلاع دارند افشاگری خواهم کرد. چه می کنند: ببینید برنامه به یک صورت خاصی است. انگشتها، دستهایی در کار می آید. "النفثات فی العقد خناسها" شروع می کنند بین دو گروه به اسم شیعه، سنی، کرده، عرب، کرده، ترک، فارس، ترکمن، این عقده ها را هی تهییج کردن و بعد کم کم اینها مقابل هم قرار می گیرند. از دنیا و از انقلاب غافل می مانند. در این میان یک گلوله ناشناسی شلیک می شود و یک نفر این وسط به خاک و خون می غلظد و وضع بهم می ریزد. همون عوامل، همون کسانی که از خارج تحریک می کنند و از داخل با آنها همکاری می کنند. این برنامه در سنج، در مریوان، در گنبد، در همه جا به یک صورت اجرا شده. یک برنامه مبینی و یک عده ای از چپ نماها دستشون در کار است. البته دیگران هم گناه داشتند، تقصیر داشتند، آخرین سخن من، پیام من به برادران کرد ماست. برادران کرد، خواهران کرد، ما می دانیم در طول تاریخ، بلکه قرنهاست شما از حقوقتان محروم ماندید. به شما رسیدگی نشد، تحت فشار باقی ماندید، ما می دانیم که از زمان عثمانیها شما

در تحت فشار واقع شدید. از حقوقتان محروم ماندید و این وضع ادامه پیدا کرد. در هر زندانی که ما رفتیم، شما برادران کرد و مبارز بودید. سابقه مبارزه دارید. کسانی که با ما تماس دارند از پیشوایان دینی، رهبرهای دینی، مردمان منزه، مردمان باتقوا، مردمان پرهیزگار، شخصیت‌های سیاسی، آنها هم همینطور، ما نمی‌دانیم چرا باید این حوادث در کردستان تکرار بشود؟ و این حیثیت و این شخصیت، و این سابقه مبارزه، سرزمین شجاعان کرد، لکه‌دار شود؟ ما را محکوم کنند و هی روزنامه‌های خارج بنویسند کردها چنین کردند چنان کردند، چرا برادرها، خواهرهای کرد آلت دست یک مشت فرصت‌طلب، یک مشت دزدهای فراری و یک مشت مردم بی‌حساب و خودخواه واقع می‌شوید؟ دیگر راضی نشوید که روی شما کردها معامله کنند. گاهی به این طرف، گاهی به اون طرف، به خود بی‌آید. حقوق شما مثل حقوق دیگر برادران ایرانی است. هیچ فرقی ندارد. اگر محرومیت هست برای همه جا هست، اون دهات، اون ده کرد که محرومیت‌هایی دارد. آیا محرومیتش بیشتر از جنوب تهران که مرکز ایران، مرکز قدرت است می‌باشد؟ بله اینها مسائلی است که باید بتدریج انجام بگیرد، اصلاح بشود. انگشتها را مراقب باشید. آلت دست نشوید. حیثیت و شرافت و سوابق خودتون را نگه دارید. شما مرزدارهای اسلامید. شما مرزدارهای ایرانی هستید. شما ایرانی اصیل هستید. شما فرزندان و باقی‌ماندگان صلاح‌الدین ایوبی هستید، این صلاح‌الدینی که با یک مشت کردی که همراه خود برداشت و دیگر مسلمونها در جلوی او موج عظیم صلیبهارو گرفت. اون قدرت، اون شجاعت، بزرگواری، اون گذشتها. شما از طایفه او هستید و پیش ما ایرانیها همه مکرّم هستید. تقاضاهای مشروعتان از شخصیت‌رهبری، از دولت، آنچه بتواند در حق شما کوتاهی نمی‌کنند. ما امیدواریم دیگر قضایی نظیر سنندج، مریوان، نقده تکرار نشود.

سلام ما، درود ما به همه برادران مسلمان ما، همه‌سهم بزرگی در این انقلاب دارند و همه مسئول پاسداری و نگهداری این انقلاب هستند و امیدواریم وسوسه‌ها دشمن‌های شیطانی در روحیه ما تأثیر نکنند و در یک محیط عالی و پاک و آزاد اسلامی حقوق همه برآورده بشود. بار پروردگار به همه ما توفیق فهم دین و خدمت به اجتماع، خدمت به مردم، پیشبرد این انقلاب عظیم عنایت بفرما. همه ما را در کنف هدایت خودت حفظ بفرما. رهبرهای دینی و سیاسی ما را در طریقی که

صلاح می‌دانی هدایت بفرما. رهبر عظیم ما را خداوند از آفات حفظ بفرما، تا بتواند ثمره این انقلاب را در مدت عمر و حیات خودش ببیند. خداوند او را از الهامات به خیر هیچگاه محروم مدار. پروردگارا گذشتگان ما را بیامرز. خداوند ائتفاق، اتحاد، یگانگی در بین ما حاکم بگردان. دستهای نفاق افکن، اختلاف‌افکن کوتاه بگردان، دولت ما را خداوند به آنچه صلاح ملت است بیشتر موفق بگردان و با همکاری و همدستی دولت و ملت خداوند این مشکلاتی که در طریق انقلاب ماست آسان بگردان. "یا ایها الذین امنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون. واعتصموا بحبل الله جميعا" و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذا کنتم اعداء" فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا". و در ضمن فراموش نکنید این پاسداران عزیز ما را. خداوند تاثیراتشان را بیشتر بگردان. آنهایی که شب و روز برای خدا، برای پیشبرد این انقلاب، جان برکف بدون هیچ توقع و انتظاری این کشور رو توانستند امنیتشون رو، امنیت این کشور رو حفظ بکنند و از پایه‌ها و ستونهای عظیم انقلاب همین پاسداران ما هستند. ارتش ما هستند. امیدواریم ارتش، پاسدارها، ژاندارمری، شهربانی، همه اینها با همکاری و همدستی خود. هم‌امنیت داخل رو حفظ کنند، هم مرزهای اسلامی را.

"والسلام علیکم ورحمة الله"

نماز جمعه سوم، در دانشگاه تهران
شازدهم رمضان - نوزدهم مردادماه ۵۸

خطبه اول

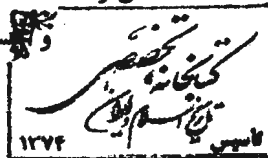
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. بارء الخلاق اجمعين - فاطر السموات والارضين
اشهد انه لا اله الا هو - وحده لا شريك له - له الملك وله الحمد - يحيى ويميت
ويعتق ويحيى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شئ قدير. ونصلى و
نسلم على عبده ورسوله السراج المنير رحمه للعالمين وبشيرا "ونذيرا" للناس
جميعا "وعلى آله واصحابه و خلفائه والائمة المعصومين من ولده، الذين هم كلمة
التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجج على اهل الدنيا وعلى قائم بالحق
الحاكم بالكتاب الحابس النفس على ذات الله آخر خليفته وحجته على عباده.
اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. "يا ايها الذين آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا
دعاكم لما يحييكم واعلموا ان الله يحول بين المرء وقلبه وانه اليه تحشرون- واتقوا
فتنة" لاتصيبن الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا ان الله شديد العقاب" (۷).
اي كسانی که به يك حقيقت برتر و عالمی و جهانی بالاتر و برای انسان مقامی والاتر،
معتقديد ايمان آورده ايد اجابت كنيد، پذيريد خدا و رسول را آنگاه كه شما را
می خوانند و آنچه را كه شما را زنده می دارد زنده می نمايد، آنچه را كه دعوت دين
و كتاب ما و پيامبر ما و اولياء ما بر آن است، زنده نگه داشتن و رو به زندگي بردن
مردم است. معتقدات ما احكام ما دستورات ما عبادت ما زندگي اجتماعي ما بر محور
حيات و حرکت است. حيات سري است مرموز ظاهر حيات حرکت است و رشد است
و نمو و دفع و جذب. يك موجود زنده دارای چنین خاصیتی است: دفع ناملايم

غیر صالح، نامتناسب و جذب آنچه که ملائم است و متناسب است برای رشد و نمو. دعوت ما، دعوت انبیاء بر همین اساس است که انسانها زنده شوند. انسانهایی که غرائز و شهوات شرک آنها را از حرکت و نمو باز داشته است رو به حیات و حرکت بروند چه زندگی فردی چه زندگی اجتماعی. اولین اثر زندگی در انسان زنده، در فرد زنده، همین است که آنچه را که مانع رشد و حرکت فکری اوست دفع کند و آنچه برای رشد، حرکت فکری و اخلاقی اوست جذب کند. یک مجتمع زنده این خاصیت را باید داشته باشد یعنی حرکت حیاتی، شکوفاشدن استعدادها و جذب آنچه از علوم و سرمایه‌های طبیعی برای رشد خود لازم دارد و دفع آنچه که ناملائم و نامتناسب است. هر قانونی هر رهبری هر اندیشه‌ای که انسانها و جامعه را زنده کند همان قانون خداست. قانون خدا برای زنده نگه داشتن و رو به زندگی بردن بیشتر فرد و اجتماع است. هر چه خاصیت دفعی و جذبی او را قویتر کند زنده‌تر و پویا پدیدارتر است. قوانین اساسی ما باید بر همین پایه باشد. این معیار قانون اساسی یک اجتماع ایمانی و زنده است یعنی هر قانونی که جامعه را از تهاجم و از ناملایمات و از فساد حفظ کند و آنچه صالح است جذب کند آن قانون، قانون خداست، معیار قانون ما، قانون اجتماعی ما و قوانین فردی ما همین است.

واعلموا ان الله يحول بين المرء و قلبه و انه اليه تحشرون، بدانید که گاه شما از درون قلب خود بیخبرید. شرک و فساد و گناه، حرکت قلبی و وجدانی شما را از کار می‌اندازد و بدانید که منتها الیه چشم انداز حرکت شما بطرف حق است. (واتقوا فتنة لا تصيب الذين ظلموا منكم خاصة و اعلموا ان الله شديد العقاب. در برابر فتنه‌ها تحریکات نباید ساکت بنشینید. نتیجه فتنه‌ها عذابهایی است که به اجتماع برمی‌گردد و اجتماع را دچار انحطاط، سقوط و رکود خواهد کرد. کسانی که در برابر فتنه‌ها ساکت بنشینند این را بدانند که نتیجه فتنه‌ها فقط به ظالمها بر نمی‌گردد.

و السلام عليكم ورحمة الله و بركاته



خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله الذي يسبح له ما في السموات و ما في الارض الملك القدوس العزيز الحكيم. الصلوة والسلام على نبيه المبعوث لیتلوا علی الناس آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين.

یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض - آنچه در آسمان و زمین اند تسبیح -
گویانند و عملشان به شعور طبیعی و فطری در حد وجودی که دارند تسبیح خدای را
بی گویند ولی ما درک نمی کنیم . جمله ذرات زمین و آسمان با تو می گویند پیدا
کن ما - ما سمعییم و بصیریم و هشیم - با همه نامحرمان ما خامشیم . این دیدوحی ،
دید قرآن ، دید جهان بینی ماست . همه عالم در حرکت اند و کوشش دارند که خود
را ، از بدی ، از پلیدی و از نفس برهاند و یک آن سکون و بی حرکتی نیست . حرکت
در چه جهت ؟ در جهت قدرت ، در جهت تنزه در جهت پاکی و کمال این حقیقت تسبیح
ست که همه عالم را فرا گرفته است همین زمینی که ما را در برگرفته ، مادر بزرگ
ماست و همه موالید و فرآورده های خود را در آغوش گرفته است و در این فضا با چه
سرعتی در حرکت است ، با این حرکات مختلف گوناگون تسبیح گوست . یعنی دائما "
موالید خود را از روشنایی به تاریکی برای سکون و آرامش و از تاریکی به روشنایی ،
از سردی به گرمی و حرارت ، و از حرارت به سرما ، برای آنکه موجودات آرامشی پیدا
کنند . در هر نقطه زمین که نگاه بکنیم می بینیم یک نقطه تاریک و یک نقطه روشن ،
یک جا شب و یک جا روز ، یک جا زمستان و یک جا تابستان ، یک جا بهار ، یک جا
پائیز است این در حرکت زمین است ، حرکت تسبیحی که با طرب در این عالم ، در
این فضا دارد سیر میکند و موالید خود را می پروراند و از ضعف می رهند و بسوی
کمال و بسوی بقا پیش می برد . ما در میان این عالم که همه تسبیح گو هستند ، زمین
و آسمان و نسیم و حرکت دریاها و طوفانها همه برای پاک کردن ساحت عالم اند ، از
پلیدی و نفس و فساد ، یک موجود به اسم انسان در وسط این عالم خود را با اختیار
و اراده ناقص می داند . به پلیدیها خود را آلوده می کند . غرائض و شهواتش بر عقل
و فطرتش غالب می شود . قرآن می گوید هوالذی ، همان خدایی که یسبح له ما فی -
السموات و ما فی الارض همان خدایی که الملك القدوس العزيز الحكيم از همان مبدأ
عزت ، حکمت ، قدوسیت ، ملوکیت برانگیخت پیامبری را تا این که انسانهای واژگون ،
انسانهای راکد ، انسانهای ساکن و انسانهای آلوده به شرک و کفر و گناه و پلیدی را
برهاند و هم آهنگ با همه عالم کند . همه عالم باهم هماهنگند ولی انسان است
که خود را با حرکت و نظام عالم ناهماهنگ می نماید . هوالذی بعث فی الاممین ،
همان خدا برانگیخت در میان مردمی امی ، مادر زاد ، بی سواد ، مردمی که در تحت
تأثیر هیچ قانون و نظامات معمول بشری نبودند ، مردمی که متأثر از هیچ علم و

مکتبی نبودند، مردم فطری، مردمی که خودشان بودند و فطرتشان در مقابل این جهان بزرگ و جهان عظیم، در میان چنین مردمی، از میان چنین مردمی هوالذی بعث فی الاممین رسولا " منہم برانگیخت رسولی را. از روم و ایران و مکتبهای دنیا و مردمی که تحت نفوس و قدرت قوانین و حاکمیت نظامات معمول اجتماعی بودند برانگیخت. مردمی که در بیابان زندگی می‌کردند، فطری بودند، خودشان بودند و این عالم، در میان این‌ها برانگیخت پیامبری را تا این‌ها را تزکیه کند. قضاوت درست از همین مردم است. آن مردمی که می‌توانند حرف را درست بفهمند، آنهایی هستند که تحت تأثیر مکتبی و نظاماتی و قوانینی غیرالهی واقع نشدند. آنهائیکه خون می‌دهند. آنهائیکه صدای انبیاء را درست می‌فهمند، درک می‌کنند با تمام شعورشان، همین مردم امی هستند. درس خوانده‌های ما اغلب گرفتار چهارچوب دیدهای مکتبی خودشان هستند. آنهائیکه در نظامات دنیا واقع‌اند تحت تأثیر قدرتهای طاغوتی‌اند و سایه این قدرتها بر فکر و اندیشه و فطرتشان گسترده شده است. مگر به این زودی می‌توانند باور کنند، مگر جامعه ما اکثراً " می‌تواند به این زودی باور کند که جامعه آزاد. باید رو به تزکیه برود. هنوز سایه طاغوت و شرک شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله در اکثر افکار باقی است. باید یک نسلی، یک دوره‌ای و یک تحولاتی روی دهد تا بتدریج این رسوبات برطرف شود، تا تزکیه بشوند. این درگیریها، این دعواها، این جنگها، این ناباوریهها، این دروغ گفتن به یکدیگر، شهرت طلبی، این‌ها همه آثار سایه طاغوت است. یک نظامی فرو ریخت ولی گرد و غبارش هنوز در چشمهای ما هست. دور خودمان می‌گردیم، به همدیگر تنه می‌زنیم، تو سر همدیگر می‌زنیم، اکثراً " یک حقیقت را می‌خواهیم و آن نجات از تاریکی به نور است. *اللہ ولی الذین آمنوا یخرجہم من الظلمات الی النور.*

چرا؟ برای این که هنوز در گرد و غبار آثار خرابه طاغوتیهها و استبدادها هستیم. هنوز ما می‌خواهیم بیکدیگر حاکمیت داشته باشیم. آن حزب به آن حزب، آن جمعیت به آن جمعیت، آن فرد به آن فرد.

لیزگیهیم. تا این مردم فطری را تزکیه کند، عقول اینها را از شرکهاییکه وارد شده در جزیرة العرب پاک کند، نفوس اینها را از رذائل خلقی منزہ بدارد، اجتماع اینها را از فاسد و مفسد و مستکبر و خودخواه و مستبد و متأثر و ظلم بکسره پاک کند. این هدف این نوبت است: هماهنگی با عالم، تزکیه نفوس و اجتماع، تزکیه

عقول، تزکیهٔ انسانها از آثار شرک. *یتلوا علیهم آیاته*. مرحلهٔ اول تلاوت آیات است. یعنی آشنا کردن انسان با این جهان بزرگ. انسانی که در پوست خودش منزوی شده، خودش و جهان را فراموش کرده است. این آیاتی که آیات وحی است و مترجم آیات وجود است، این آیات را بی دربی تلاوت کنید تا مغزها آماده شود، تا ارواح آماده شود، تا نفوس آماده و تزکیه بشود، با تابش وحی. همانطوری که یک زمینی را اگر بخواهید برای کشت مستقر کنید، باید قبلاً "مدتها در پرتو نور قرار بدهید تا زمین آماده شود.

یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم آیات وحی، یعنی آیات وجود را باینها تلاوت کند تا ذهنها پاک شود. انسانی که از خود و جهان بیگانه شده با عالم آشنا بشود. با این ستاره‌ها، با این حرکات شبانه‌روز، با این نظامات عالم، با همهٔ اینها آشنا بشود، جزء عالم انسانی که خودش را از عالم برکنار کشیده و منزوی شده، در افکارش، و شهواتش و در تخیلاتش. بعد از تلاوت، آیات تزکیه است. زمین را باید پاک کرد. علفهای هرزه، ریشه‌های بی‌مصرف و بیخود، سنگ و کلوخ و خاکهای نامساعد را پاک کنند. این مرحلهٔ دوم است و بعد آماده شدن است. هدف‌نهایی چیست؟ *یعلمهم الكتاب والحکمه*. همه دارای عقل صحیح بشویم، همه درست قضاوت کنند. همه، همه چیز را درست بفهمند. کتاب، قوانین، نظامات زندگی، سنن عالم را خوب درک کنند، و عقلها و افکار شکوفا بشود و دارای حکمت، عقاید محکم، اخلاق محکم، پابرجا و ریشه‌دار بشوند. این نتیجه بعثت این پیغمبر است اگر اجتماع را می‌خواهد از ظلم و استثمار و استعمار پاک کند، تنها این نیست که خوب بخورند، تنها این نیست که همه زندگیشان از جهت مادی مرفه بشود، این مقدمه است. تزکیه مقدمه است برای یک هدف‌نهایی و عالی، و آن تعالی انسانها بطرف علم و حکمت می‌باشد. این دید ماست، این مکتب ماست، این شناخت ماست. هرکه با این دید موافق است. با مکتب ما موافق است. *وان گانوا من قبل لقی ضلال مبین* - و آخرین منبهم لما یلحقوا بهم و هو العزیز الحکیم پهبشتازان مجتمع عالی‌اولی از این مردم تشکیل شد. از این پهبشروان، از این مردان حق، از این تزکیه‌شده‌ها، از این مردمی که وحی مثل کبریتی بود که یک مرتبه این‌ها را مشتعل کرد، آن صدقاتی که از این نبی دیدند، آن راستی، آن اعجاز، آن وحی، یک مرتبه تمام *جزیره العرب* را محترق کرد و پهبش رفتند. این وحی، این نبوت ممکن است بعد از این حالت

رکود پیدا کند، افکار و اندیشه‌های مختلف در او وارد شود، به قصرها برود، به کاخها برود، از مسیر اصلی برگردد، ولی بعد کسانی باز مبعوث خواهند شد که دنبال همین حقیقت را خواهند گرفت. این‌ها هم دومرتبه پیش‌تازند. به شما ایرانیان بشارت که وقتی این آیه نازل شد، یکی از اصحاب پرسید ای رسول‌الله این آخرین مردمی که بعد از این پیش‌تازها و پیشروان اول در فترت‌های زمان، ملحق خواهند شد و پرچم توحید و تزکیه و تعلیم را بدست خواهند گرفت چه کسانی هستند؟ دست گذاشت بشانهٔ سلمان و فرمود: مردم این شخص، مردم مملکت این عالم. این بشارتی است، شاید امروز یکی از آن بشارتها تحقق پیدا کرده است شما باید مشعلدار توحید و اسلام در دنیای کفر و شرک و ماده پرستی باشید، تا دنیا را نجات دهید. همانطوری که بعد از قرن اول اسلام ایرانیها بودند که اسلام را توانستند شکوفا کنند. این همه علماء، اینهمه فقها، این همه اخباریون، این همه فلاسفه، این همه متکلمین، اغلب از شما ایرانیها بودند. از اینجهت باید متوجه باشیم ما مسئولیت سنگینی داریم، نه تنها مسئولیت اجتماع خودمان بلکه مسئولیت جهانی دنیا.

و کذلک جعلناکم امةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً (۸)

این دنیای سرگردان، این دنیای متحیر، این دنیای شرک و بت پرستی. شرکها، انواع شرکها، بت پرستی‌ها ماه پرستی‌ها و شاه پرستی‌ها در اثر حرکت، در اثر جلو رفتن بشر خود بخود همه سقوط کردند و می‌کنند ولی یک شرک در دنیا فعلاً "سایه افکنده و آن ماده پرستی است. ماده پرستی بت‌عام معنا، اصالت ماده، مفروض یا مظهر ماده پول و سرمایه. مسلمانهای دنیا، امروز یک همچنین رسالتی دارند که از این شرک قرن، مردم دنیا را نجات دهند.

یتلوا علیهم آیاتہ و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمہ وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین. ربنا ولا تحملنا مالا طاقت لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

خدایا از ما بگذر، ما را عفو کن پروردگارا آنچه خیر و آنچه که وظیفهٔ حیات و حرکت اجتماع است به ما الهام فرما رهبران عزیز ما را رهبر بزرگ ما، همهٔ اینها را در تحت توجهات و الهامات و عنایتت برای نجات این ملت، برای نجات مستضعفین و دچار شده‌های به شرک دنیا، خدایا موفقشان بدار، ما را به آنچه رضای

تو در آن است هدایت بفرما ، دولت و ملت را برای نجات کشور برای پیشبرد این انقلاب بپاخواسته برای همان هدفهایی که قرآن بیان کرده است مؤید و منصور ـ شان بدار .

هفته آینده را حضرت آیت‌اله امام خمینی اعلام فرمودند برای همبستگی تمام جهان اسلام با مسئله فلسطین که مسئله بسیار بزرگ از جهت وضع دنیا ، از جهت وظائف مسلمین بخصوص مسلمانهای دنیا وظیفه بسیار مهمی است که برعهده فرد فرد مسلمان‌های دنیاست . برنامه هفته آینده انشاء الله بعداً " تنظیم خواهد شد . آقای نخست وزیر مفسر قرآن و فقیه در دین هستند . دیگر من نمی‌دانم چه نوع نمونه‌ای باید داشته باشیم و شماها را به مسائلی که باید متوجه کردند .

نماز جمعه چهارم، در دانشگاه تهران
بیست و سوم رمضان - بیست و ششم مردادماه ۵۸

خطبه اول

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .

یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم . واعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه وانه الیه تحشرون ، واتقوا فتنة لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه و اعلموا ان الله شدید العقاب .

در خطبه نماز جمعه ، همانطور که بارها تذکر داده شده ، چون جزء نماز است ، سکوت و شنیدن واجب است . ما در این روز استثنائی ، روز قدس ، از برادران و خواهران ، از ما مورین و پاسداران تقاضا می کنیم که سکوت را رعایت کنند . عظمت این نماز در همین همبستگی ، خشوع ، خضوع ، آرامش ، سکوت ، توجه به خدا و آیات خداست . ای کسانی که ایمان آورده اید ، اجابت کنید خدا و رسول را و آنچه که شما را می خواند و زنده می دارد .

همانطور که هفته قبل عرض کردم از خصوصیات دعوت انبیاء و دعوت ادیان و احکامی که بمردم ارائه می کنند ، ایجاد روح تعالی ، حرکت ، دفاع و جذب است . خاصیت حیات ، حرکت ، نمو ، دفع و جذب است . دفع آنچه مزاحم ، ناملایم و آفت است و جذب آنچه برای رشد و حرکت جامعه اسلامی و همه بشر مصلحت است . بعد از این تذکر ، آیه بعد ، تذکر دیگری بما می دهد : در برابر این دعوت عظیم ، این دعوت حیات بخش ، از فتنه ها و درگیری ها بپرهیزید . فتنه هایی که هم فتنه گران را از میان خواهد برد و هم کسانی را که در مقابل آنها سکوت می کنند . برادران ،

خواهران! ما ملت ایران امروز در مقابل این فتنه‌ها قرار گرفته‌ایم. در مقابل عناوین و شعارهای مختلف. هر روز از یک گوشه‌ای آتش افروزان و ابی‌لهب‌ها آتش می‌افروزند و هر روز مزاحمتی ایجاد می‌کنند. بدون هیچ منطقی، دلیلی و درخواست روشنی، در کمال بی‌شرمی و وحشیانه دست به برادرکشی می‌زنند. وظیفه خاموش کردن این فتنه‌ها و از میان بردن آنها به عهده شما برادران و خواهران مسلمان است که در این مرحله تاریخی مسئولیت بزرگی به عهده دارید. مهمتر اینست که از فتنه‌هایی که هر روز در گوشه‌ای از مملکت آتش آن مشتعل می‌شود جلوگیری کنید. فتنه‌هایی که بنام چپ و راست و بدون منطق، جز کشتار، جز ایجاد فتنه، جز متوجه کردن افکار و اندیشه‌های تمام مسلمین بمرکز فتنه و غافل کردن آنها از سایر مسائل، ثمری ندارد. تا بدین وسیله دولت و ملت را در این حرکت انقلابی و مسیری که در پیش دارند فلج کنند. *واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا ان الله شديد العقاب*. منتظر عقاب خدا باشید. ای فتنه‌جویان، ای عاملین دست‌انجمی و صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها، ای از خود بی‌خود شده‌ها، ای کور و کرها، ای که ختم‌الله علی قلوبهم، ای کسی که نه مصلحت خود را می‌بیند و نه آینده را، خدا شدیدالعقاب است. عقابی که از وجدان‌ها و از قلوب این مردم رنج دیده و شهید داده، محروم شعله‌ور خواهد شد.

بسم الله الرحمن الرحيم . تبت يدا ابي لهب وتب کوتاه باد دست آتش افروزی بی‌لهب ما اغنی عنه ماله و ما کسب. نه ثروتی که جمع کرده و نه دار و دسته‌ای که براه انداخته، او را بی‌نیاز خواهند کرد. *سبیلی ناراً ذات لهب . و امرأته حمالة الحطب*. آنهاست که تحت تأثیر اینها هستند و آتش بیار معرکه می‌باشند برای آنها چیزی جز وبال و ضرر نمی‌ماند. فی جیدها حبل من مسد. در شعارشان و در آنچه که می‌گویند و در آنچه که می‌گویند و به گردن می‌آویزند. همه اینها نشان‌دهنده شیطان‌ها و ابی‌لهب‌هایی هست که بصورت انسان در آمده است.

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذی یؤمن الخائفین و ینجی المالحین ؛ یرفع المستضعفین و یضع المستکبرین و یهلك ملوکاً " و یتخلف آخرین ؛ و الصلوه ؛ السلام علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی خاتم النبیین السراج المنیر البشیر -

النذیر . و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اصحاب المنتظرین .
 اعوذ بالله من الشیطان الرجیم . بسم الله الرحمن الرحیم . سبحان الذی اسرى
 بعبده لیلا " من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا
 انه هو السميع البصیر . واتینا موسی الكتاب و جعلناه هدی " لبنی اسرائیل الا تتخذوا
 من دونی وکیلا " (۹) .

باردومی است که بنام قدس، بنام سرزمین مقدس فلسطین در همین دانشگاه دور
 هم جمع می شویم و این آیات را تلاوت می کنیم . آن دفعه جمعیتی محدود و این
 دفعه جمعیتی نامحدود . بدستور و ابتکار رهبری و دولت ما ، این مسئله از ایران
 انقلابی شروع شد که روزی بنام قدس نه تنها در سطح کشور ، بلکه در سطح تمام
 کشورهای اسلامی و همه مسلمانان متعهد و مسئول ، روز همبستگی باشد . روزی که ما
 مسلمانان ایران با صدای بلند و بدون مانع ، دعوت مظلومین فلسطین و قدس از
 دست رفته را اجابت می کنیم . فرمود : ان المومنین فی تعاونهم و تعاضدهم کالراس
 من الجسد ، اذا اشتکی تداعی علیه سائر الجسد بالسحر و الحمی .

همه مسلمانان درهرجائی که هستند و در تعاونی که با یکدیگر دارند همه مانند
 سری از یک پیکر هستند ، آنگاه که شکایت کند و بدرد آید . هر عضو بدن انسان
 وقتی بدرد آمد و بوسیله اعصاب شکایت خودش را بمرکز فرماندهی و اعضای دیگر
 رساند ، همان عصور رأس می شود و همه اندیشه و فکر متوجه آن عضو آسیب دیده
 می شوند تا آنرا نجات دهند . چرا؟ برای اینکه اگر آن عضو نجات پیدا نکرد تمام
 اعضاء فلج می شوند . مسلمان های دنیا باید بدانند همه عضو یک پیکر هستند و
 گمان نکنند با بی توجهی بدرد مسلمانان دیگر ، می توانند خود را حفظ کنند و از
 رنج و درد و آفاتی که متوجه آنهاست نجات یابند . سوره اسراء یا بنی اسرائیل با
 این آیه شروع می شود : پاک و منزّه است خدائی که سیر داد پیامبر خودش را از
 مسجد الحرام بسوی مسجد الاقصی ، زبرامی خواهد آیاتی که در پیرامون مسجد الاقصی
 است ، از نزدیک به این رسول عظیمش ارائه دهد . خدای سمیع و بصیر . خدائی که
 می خواهد تمام بندگانش بینا و شنوا باشند . انه هو السميع البصیر .

این مسیر معنوی و این معراج و سیری که از مسجد شروع و به مسجد ختم شد ، برای
 چه بود؟ برای تزکیه این دو مسجد ، این دو مرکز توحید ، این دو مناره ای که در
 دنیای کفر و شرک و ظلم و خودپرستی ها باید در بین شرق و غرب بانگ توحید و

تنفس همه انسانها را به همه دنیا اعلام کند . این دو ریه زنده‌ای که باید همواره هوای پاک به درون انسان‌ها برساند و از این دو معبد ، دو مسجد ، دو مرکز توحید الهام بگیرد . دو مرکزی که شرک و خودخواهی‌ها آلوده‌اش کرده بودند . خانه‌کعبه ، بتخانه شده بود و خانه قدس و بیت‌المقدس ، مرکز خودخواهی‌ها ، امتیازجویی‌ها ، برتری نژادها و مرکز درگیری‌ها و جنگ‌های چند هزارساله . خدا پیغمبرش را فرستاد برای اینکه این دو مرکز را بوضع اول برگرداند . دو محلی که باید همه در آن برای خدا سجده کنند و از بند هر عبودیتی رهایی یابند . قبله اول اسلام ابتدا بطرف بیت‌المقدس بود . برای اینکه فهمانده شود که آنجا هم قبله اسلام است ، قبله توحید است و مکه و کعبه هم قبله اسلامند ، این وظیفه بزرگ را خدا به عهده پیامبرش و بعد به عهده پیروان این دین گذاشته است تا این دو مرکز را پاک نگهدارند . دو تنفس‌گاه بشر را همیشه زنده بدارند . تا این دو مناره توحید را که موءسسس انبیاء بزرگ بودند همیشه محل ندای توحید به طرف شرق و غرب دنیا بگرداند . ولی صهیونیسم چه کرد؟ آن چیزی که انبیاء می‌خواستند ، صهیونیسم برعکس کرد ، مرکز شرک و خودخواهی ، خودبینی ، نژاد پرستی ، جنایت ، ظلم ، خشونت و وحشی‌گری . مسئله بیت‌المقدس مسئله‌ای نیست که تنها مربوط به مسلمین و یا مسیحیان باشد . مسئله بیت‌المقدس مسئله انسان آزاد دنیاست . مسئله همه ادیان الهی است . همه مردم دنیا برای نجات بیت‌المقدس و حامیان و نگهداران آن که فلسطینی‌ها باشند ، باید قیام کنند . همه با یک صدا ، یک فریاد و یک مشت ، باید این مرکز توحید را که تبدیل بمرکز شرک شده است ، پاک کنند . یهودیان و کلیمیان متعهد هم باید از این روش صهیونیست‌ها متأثر باشند . برای اینکه در این دنیای تزلزل فکری و تزلزل اعتقادی ، این صهیونیست‌ها می‌خواهند چهره انبیاء را معرفی کنند . آنها خودشان را وارث انبیاء می‌دانند . ابراهیم خلیل بت‌شکن و منادی توحید انبیاء بنی‌اسرائیل که برای نجات بشر قیام کرده‌اند ، اینها چهره آنان را هم خراب می‌کنند . ای برادران ، کلیمی‌ها ، کلیمی‌های آزادمنش و با ایمان ، این خطر صهیونیست‌ها تنها متوجه عالم اسلام و مسیحیت نیست . متوجه شما هم هست . چهره همان پیامبری که قرآن می‌فرماید : ماتورات را فرستادیم برای اینکه به بنی‌اسرائیل بگوئیم جز بخدا اتکا پیدا نکنند . یک عده مردم از گوشه و کنار دنیا جمع شده‌اند و مکتبی درست کرده‌اند که مخرب مکاتب همه انبیاء و ادیان

هست. این‌ها هستند که چهره انبیاء را خراب کردند. این‌ها هستند که توحید خالص را تبدیل به شرک و خودپرستی کردند. بیت‌المقدس، از آن همه ادیان الهی است، اسلام، مسیحیت و یهودیت. این مرکز باید از لوٹ صهیونیسم پاک شود و این وظیفه فرد فرد مسلمین است. امروز را که روز قدس می‌نامیم باید بیش از این شعارها و اجتماعات به عمل پردازیم، مجهز شویم. همانطور که امام فرمودند: اگر یک سطل آب هر کدام از مسلمانان ریخته بودند. سیلی می‌شد که صهیونیسم را از بین می‌برد. همانطوری که در "ما" هر کدام هفت‌ریگ می‌زنید و برج شیطان و کفر را غرق ریگ می‌کنید. هر کدام یک ریگ یک سنگ و یک سلاح در دست بگیرید. همه مجهز بشوید. بخصوص ما مسلمان‌های ایران که دائما "در معرض این فتنه هستیم. ببینید الان صهیونیسم خونخوار چگونه دندان روی هم می‌فشارد و برای ما نقشه می‌کشد. بخصوص از این ابتکاری که مسلمان‌ها، رهبر ما، دولت ما و ملت ما نشان داد که روز جمعه آخر رمضان در سراسر کشورهای اسلامی را روز قدس نام نهاد. ما خطابمان به عموم ملت‌های اسلامی است. بعضی از دولت‌ها هستند که هنوز بازی می‌کنند. بعضی‌ها آگاهانه و بعضی ناآگاهانه. ملت‌های مسلمان باید خودشان راه بیفتند. همه مجهز و آماده. روزی برسد که همه حرکت کنیم بطرف بیت‌المقدس. ما هم باید آماده باشیم. از دبستان، دبیرستان و دانشگاه باید بچه‌های خردسال ما، زنها و مردهای ما، پیر و جوان ما، آماده دفاع باشند. دفاع از بیت‌المقدس. چرا که دفاع از بیت‌المقدس دفاع از حریم خداست و بر همه واجب است. من پیشنهاد می‌کنم در مدارس، روستاها و کارخانه‌ها، روزهای معینی اختصاص وارد، بچه‌ها و جوانان و زنهای ما را تمرین نظامی بدهند و در تمام کشورهای اسلامی به این صورت باشد.

این آیه را که می‌فرماید: *واتینا موسی الکتاب وجعلناه هدی لبنی اسرائیل الا - تتخذوا من دونی وکیلا* ^(۱۰)، ای بنی اسرائیل جز من وکیل نگیرید، خطابش به بنی اسرائیل است. ولی یک گروهی جمع شده‌اند که از خود نه نان دارند نه سلاح. فقط متکی به استعمار خونخوار آمریکا هستند و می‌خواهند همه مسلمین را به ذلت و خواری بکشند. ببینید در جنوب لبنان چه می‌کنند. این مردم چه گناهی دارند؟ خانه-ها پشان ویران و مردم سرگردان و فراری. کسانی که آمده‌اند می‌گویند تمام زنان و مردان لبنان، بخصوص جنوب لبنان، همه سیاهپوشند. از هر خانواده‌ای یکی دونفر

شهید شده‌اند. آیا نباید ما ندای مظلومیت آنان را بشنویم؟ من سمع رجلا" یقول یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم. اگر یک انسان غیرمسلمان هم باشد، مظلوم واقع شود، فریادش بلند شود. مسلمانان باید به داد او برسند. اگر اجابت نکنند از اسلام خارج هستند. فریاد فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها بلند است، "مسلمانان بدادمان برسید، ما را از این وحشی بنام صهیونیسم نجات دهید". سوریه، لبنان، مردم مصر (توده مردم نه دولت مصر) و اردن همه دارند فریادی می‌کشند. امروز روزی است که ما می‌گوئیم برادرها ما اجابت کردیم دعوت شما را. امروز ملت عظیم ما، در روز ماه مبارک رمضان، با زبان روزه و در زیر آفتاب و در میان خیابان‌ها فریادی می‌زند: قدس، قدس، فلسطین فلسطین و برادران ما از کشورهای اسلامی همه با ما در یک صف قرار گرفته‌اند. همین است که اسرائیل و صهیونیسم و آمریکا را بوحشت می‌اندازد. منتظر باشید، توطئه‌ها بیشتر می‌شود. از آن روزی که روز قدس اعلام شد، ببینید در خیابان‌های تهران چه حوادثی پیش آمده است. ملاحظه کنید اینجا یک مقدار آرام گرفت. پاره چه خیر شد. این‌ها چه کسانی هستند و چه می‌گویند؟ به یقین بدانید این‌ها چه خواهند و چه نخواهند، آلت دست صهیونیست‌ها و استعمار هستند و اگر سرچایشان ننشینند، ملت مسلمان آن‌ها را سر جای خودشان خواهد نشاند. همان ملتی که خون داد و اسلحه داد. تسامح اسلامی، گذشت اسلامی، عفو اسلامی، حدی دارد. تا آنجائی است که نهضت ما و انقلاب ما که انقلاب دنیاست، انقلاب محرومین و مستضعفین دنیاست، لطمه نبیند.

ما متأثریم از اینکه دائما "فریاد مسلمانها از اطراف دنیا بلند است که اجابت می‌کنیم. ولی از درون دائما" برای اینکه ما را مشغول کنند و از مسائل دیگر مسلمان‌ها غافل کنند، فتنه ایجاد می‌کنند.

باز پیشنهاد می‌کنم که شهردار تهران، یکی از خیابانهای تهران را بنام قدس نامگذاری کند. همچنین این روز را هر سال بنام قدس ما اجتماع داشته باشیم و مسائل قدس و فلسطین برای عموم مسلمانان تبیین بشود. مثل ظهور صهیونیسم، چه کسانی این‌ها را آوردند؟ و چه کردند؟ آن چهره مظلومیتی را که یهودیان در جنگ اخیر بوسیله نازی‌ها بدست آوردند تغییر کرد. الان مردم دنیا آن چهره مظلومیت را در بین یهودیان نمی‌بینند. یهودیان موحد، مومن و آزادمنش دنیا باید چهره ایمان و توحید و دعوت انبیاء را بدنیان نشان بدهند و خودشان را از

صهیونیست‌ها و عوامل خونخوارشان جدا کنند .

ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا پروردگارا ، ما مسلمین را همانگونه که تا بحال تائید نموده و وعده نصر داده‌ای ، خدایا نصرتت را از ما کوتاه مگردان . پروردگارا همه برادران ما را در هر کجای دنیا از زیر فشار و شکنجه و استضعاف مستکبرین داخلی و استعمارگران خارجی نجات ببخش . برادران لبنانی ما ، شیعیان و مسلمانان جنوب لبنان را مؤیدشان بدار . سرپرست شیعیان لبنان امام موسی صدر را زودتر برای سرپرستی این مردم محروم به جایگاهش بازگردان . خدایا همه ما را بهیامرز . خدایا به رهبری و رهبر ما توفیق و تأییدات بیشتر عنایت فرما . وحدت ما را محکمتر بگردان .

ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤوف رحيم . رب اغفر لي و لوالدي و لمن دخل بيتي مؤمنا —
للمؤمنين و المؤمنات و لا تزدد الظالمين الا تبارا .

بسم الله الرحمن الرحيم . اذا جاء نصراله و الفتح ، و رایت الناس یدخلون ، فی دین الله افواجا ، فسبح بحمد ربك و استغفره انه كان توابا .
ما هم برای شکرانه این نعمت بزرگ و این اجتماعی که آرزوی سالیان دراز ما بود ، ترا شکرگزاری می‌کنیم . پس سجده به آستان تو می‌سائیم . والسلام علیکم ورحمه —
و برکاته .

نماز عید فطر، در دانشگاه تهران
اول شوال - دوم شهریور ماه ۵۸

خطبه اول

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين . الحمد لله الواحد الاحد الفرد الصمد . الذي لم يتخذ صاحبه "و لا ولدا . نصلی و نسلم علی عبده و رسوله الذي بعثته حين فترة من الرسل و حججه من الامم و الدنيا كاثفة النور ظاهرة الغرور البشير النذير ابو القاسم محمد و اصحابه و الائمة المعصومين و خلفائه الصالحين و جميع الانبياء والمرسلين .
قال اميرالمؤمنين علي عليه السلام : ايها الناس ذمتي بما اقول رهينه و انا به زعيم (۱۱).

در يك موقعيت خاص و حساسي ، در يك فصل تاريخي ، بعد از شور و انقلاب مسلمانان عليه خليفه وقت و بعد از اينكه مردم مدينه سران مهاجر و انصار با آن حضرت بيعت كردند . "لما بويع بالمدينه" . اولين برنامه حكومتش را در يك خطابه مفصلي در مسجد مدينه اعلام فرمود . همانطوريكه علي روح و فكر و اندیشه و برنامه و سخنش هميشه زنده است . اين كلمات هم زنده است . گويا همين امروز است كه علي درميان همه مسلمانها ايستاده و اين مسائل و مطالب و برنامه را اعلام مي كند . همان علي كه در فتح مكه همه گوش و چشم و دل بود نسبت به رهبر بزرگش . پيامبر عظيم الشأن و درپاي سكوي مجاور كعبه ايستاده بود و مي شنيد خطابه انقلابي پيامبر اسلام را . بعد از اينكه بتها فرو ريخت . و مركز توحيد فتح شد و همه مشركين تسليم شدند . آن خطبه مفصل را فرمود و بعد فرمود هر افتخاري در جاهليت زير

پای من و هر ربائی در جاهلیت زیر پای من و هر امتیازی زیر قدم من همه محوشده است. "کل هثرة، کل ربا" . بعد فرمود "لا فخر لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی الا بالتقوی، ان اکر مکم عندالله اتقیکم، ان الزمان قد عاهد کیهاتہ یوم خلق الله السموات و الارض" همه افتخارات ملغی. همه امتیازات ملغی. عرب بر عجم. عجم بر عرب. سپید و سیاه بر یکدیگر. گرامی ترین شما، آنها نزد خدا، نه امتیازات دنیوی، متقی ترین شما هستند. زمان برگشت به همان وضع فطری که این امتیازات نبود این طبقات نبود و این افتخارات نبود. ان الزمان قد عاهد کیهاتہ یوم خلق الله السموات و الارض. علی اینها را می شنید. با تمام وجود درک می کرد. راز انقلاب توحیدی اسلام را از زبان پیامبر و وحی قرآن دریافت. بلال حبشی و برده و غلام شکنجه دیده رفت بالای خانه کعبه و فریاد و بانگ اذان برداشت. یعنی این غلامی است که بر حسب فضیلت و تقوی باید بر همه مردم از جهت سبقت در اسلام و درک توحید و تقوی، باید برتری داشته باشد. از همین جهت. که همه قریش و سران قریش و آن کسانی که بادهای افتخارات جاهلیت در دماغشان بود بخود می پیچیدند. زمان گذشت، رسول خدا وفات یافت. بتدریج همان کسانی که مارک طلقاء به پیشانی آنها خورده بود در دستگاه خلافت نفوذ کردند. امتیازات شروع شد، امتیاز قریش بر عرب، امتیاز عرب بر عجم. چه در مقامات و پستها و چه در تقسیم بیت المال و زمینه های اقتصادی. تا با نجا رسید که این امتیازات مسلمانهای اصیل را بحرکت در آورد و در این میان خلیفه قربانی شد. مردم با علی بیعت کردند. با این سابقه مجمل تاریخی بنی امیه عقب رانده و حزب اموی، در دستگاه خلافت نفوذ پیدا کردند. یزید ابن ابی سفیان در شام، و پس از او معاویه ابن - ابی سفیان. مروان همه کاره، مروان رانده شده، همه کاره دستگاه خلافت شد. علی مواجه است با یک اجتماعی که اسلام از هر امتیازی و از هر افتخاری پاک کرده بود، دو مرتبه به وضع جاهلیت برگشته. این است که ایستاد و این خطابه را خواند این خطابه ای که امروز هم از زبان من می شنوید ولی در همین موقعیت وضع ما مسلمانها و همه دنیای اسلام و دنیای بشر از زبان علی بشنوید. این خطابه انقلابی، این انقلاب مفهوم دار. نه شعار. فرمود:

ذمتی بما اقول رهینه، و انا به زعیم. متأسفانه بیشتر مفسرین و مترجمین نهج البلاغه این کلمات را یک خبری از آینده می دانند یعنی آنچه می شود نه آنچه

باید بشود، با اینکه موقعیت این خطابه و مسائلی که امیرالمؤمنین مطرح می‌کند یعنی این مسئله و آنچه که من اعلام می‌کنم باید انجام بگیرد و من در باره این مطلب پیش خدا و خلق و قرآن و وحی و نبوت متعهد هستم. ذمتی بما قول رهینه و انا به زعیم. من گروگان این حقیقتم. من دربند این حقیقتم و متعهدم و باید اعلام کنم. ان من صرحت له العبر عما بین یدیه من المثالات حجزته التقوی ان تقحم الشبهات. یک مردمی که اینهمه تجربه دیده‌اند، عبرت‌های تاریخی را دریافته‌اند و مسائل را برخورد کردند و نمونه‌هایی از گذشته تاریخ در مقابل چشمشان به صراحت موضع تاریخ را بیان می‌کند و گذشته را که ظلم، سرکشی، خودخواهی‌ها، چگونه منجر به خونریزیها و انقلابها خواهد شد. پس همین بس است، این نمونه‌های تاریخی که مردم دارای تقوای اجتماعی و روحی را از فرورفتن در مکتب‌ها، مسائل، برنامه‌ها، شعارهای شبهه انگیز خود را نگه دارند که دوباره تاریخ گذشته تکرار نشود. *الا وان بلیتکم قعداات گهبا تها یوم بعث الله نبیکم*. گرفتاری‌های شما دو مرتبه برگشت. گرچه بظاهر اسلام و در لباس اسلامند ولی همان گرفتاری است که پیاپی در میان آن شرکها، خودخواهی‌ها، وحشیگری‌ها، امتیازات منبعت شد. این گرفتاری شما همان گرفتاری است. فرمود گرچه اینها، مخالفین من، در شعار اسلام و لباس اسلام هستند ولی آن بصیرتی که خدا بمن عنایت کرده باطن و اندیشه‌های جاهلیت و کفرآمیز اینها را من می‌بینم. *بصر نی بهم صدق‌النیه*. امروز هم این مردمی که در لباس اسلام و در زی اسلام به جاهلیت برگشته‌اند من می‌نگرم گرچه نماز می‌خوانند در صف جماعت هستند شعار قرآن می‌دهند ولی همان نظام جاهلیت هست. *ان بلیتکم قعداات گهبا تها یوم بعث الله نبیکم*. این دو قسمت از سخن علی. بعد می‌فرماید:

والذی بعثه بالحق لتبلیبن بلبله و لتفریلن غربله و لتساطن سوط‌القدر. بعد از این دو تذکر می‌گوید اما برنامه چی هست؟ اول اینکه همه بهم آمیخته بشوند. باید همه بهم آمیخته بشوند. این دیوارها و این سدهای طبقاتی بین قریش و عرب و عجم و موالی همه باید برداشته بشود و همه باید بهم بریزند. این مرحله اول. *لتبلیبن بلبله*. بعد از آن، و لتفریلن غربله. در میان این بهم ریختگی باید غربال بشوید، چه جور غربالی! که آن دانه درشتهای متعهد متقی و آنها تیکه اسلام را دریافتند و پای اسلام ایستادند اینها شناخته بشوند، نخاله‌ها بیرون بروند و

لتخر بلن غریبه و لتساطن سوط القدر بعد هم بهم آمیخته بشوند و ترکیب بشوند مثل موادی که باید در میان دیک باهم بجوشند و باهم ترکیب پیدا کنند و یک صورت دیگری باینها داده بشود. این برنامه علی است. برنامه انقلابی علی. بهم ریختن آن نظامات فاسد و فاصلهها و روآمدن شخصیت‌های متعدد و از میان رفتن و برکنار شدن نخاله‌های خودخواه و خودپرست و فرصت جو و بعد یک ترکیب اجتماعی نو. اجتماع انقلابی، اجتماع پیشرو. آیا این کلمات برای همان روز علی بود؟! یا امروز هم ما دچاریم؟ اگر این مسیر انقلاب، در این انقلاب اسلامی ما، این مسیر علی و این برنامه علی پیش نرود باید بطور یقین بدانیم که بجای اول خواهیم برگشت. بعد می‌فرماید، حتی آنقدر باید زیر و رو بشوید که آن پائینی‌ها، آن پائین شهری‌ها، آن محروم‌ها، آنهایی که زیر پا ماندند، آنهایی که نفس ندارند، ناله‌شان بگوش کسی نمی‌رسید اینها بالا بیایند. و آن خودخواه‌هایی که برگرده مردم سوارند، اینها باید بزیر کشیده بشوند. حتی *اعلاکم اسفلکم* و *اعلاکم اسفلکم*. زیر پائینها، نادیده گرفته‌ها، محرومین، مستضعفین بالا بیایند. مستکبرین، خودخواه‌ها، سرمایه‌دارها، غارتگرها باید بروند دنبال کارشان. گرچه طلحه و زبیر باشند. گرچه در مقابل پیغمبر شمشیر زده باشند. گرچه خویش نزدیک پیامبر باشند، باید بروند کنار. از این انقلابی‌تر شما خطابه هیچ رهبری را در دنیا شنیده‌اید یا دیده‌اید؟ و لیسبقن سباقون گانوا *قصرو*. آن پیشی‌گیرنده‌ها، آن شکنجه شده‌های در دوره ابتدای بعثت و در میان وادی‌های مکه و در کنار حرم خدا و در کنار کعبه، آنها که رفته‌اند کنار، آنها باید بیایند جلو. آنها پیشگامان بودند. و لیقصرن سباقون گانوا *سبقوا*. آنهاست که بیخود خودشان را جلو انداخته‌اند. آنها بیایند عقب. *والله ما کتمت و شمة و لا کذبت کذبتہ*. اینها که می‌گویم باندازه سرسوزنی دروغ نیست. واقعیاتی است که باید انجام بگیرد. و هیچ حقیقتی را من کتمان نکردم. من این موقعیت را قبلاً در این وضع و در این شرایطی که امروز واقع شدم قبلاً بمن آگاهی داده شده بود. برنامه من از قبل تعیین شده بود. برنامه علی برنامه قبل از انقلاب مدینه بود نه مثل ما مسلمانها که اول انقلاب کرده‌ایم حالانسته‌ایم می‌خواهیم برنامه معین کنیم. باید چکار کرد؟ این حقیقت است. این مسئله است. این راه است. این ادامه انقلاب است. اگر این انقلابی که علی آنروز گفت و امروز هم صدایش بگوش همه مسلمانها و شما می‌رسد اگرتداوم

پیدا نکند هرکاری، هر اندیشه‌ای، هر تقنین قانونی، کم اثر یا بی اثر خواهد بود. مگر ما در مشروطیت، قانون اساسی، هفتاد و خورده‌های سال قبل ننوشتیم؟ چقدر متریقی؟ غیر از چند قسمتش همه مسائل زنده ولی چه شد؟ برای اینکه همینقدر قانون اساسی تدوین شد توده انقلابی مردم خیال کردند کار تمام شد. رفتند دنبال زندگی‌شان. دومرتبه همانهایی که اطرافیان دربار محمدعلیشاهی و قاجاریه بودند و اشراف و طبقات آمدند توی مجلس. بعد هم از وسط اینها رضاخان آمد بیرون. اگر انقلاب تداوم نیابد، هراندیشه‌ای، هرکاری ما بکنیم علاج ارتجاع و برگشت به وضع جاهلیتی که علی‌الاملام خطر کرده، چاره‌اندیش نیست. چاره نمی‌کند. من نمی‌خواهم تفری بکنم، باید قانون اساسی هم نوشته بشود، تدوین بشود ولی باید هشیار باشیم این قانون اساسی مسئله‌ای است و اصولی است و روی کاغذی. مجری‌اش چیست؟ شما مردم. شما مردم کی می‌توانید یک قدرت اجرائی قوی باشید که این اصول آزادی‌بخش را بتوانید پیاده کنید؟ وقتی انقلابی باشید. انقلاب تداوم پیدا کند. نه اینکه متوقف بشود.

الا وان الحظا یا خیل شمس حمل علیها اهلها و خلعت لجمها فتقحمت بهم فی النار. لغزش، اشتباهات، کج‌رویها، بتدریج بجای اینکه انسان سوار بر کار و مسلط بر اوضاع باشد اشتباهات و خطاها و گناهان برانسان حاکم می‌شود. چشم و گوش بسته می‌کشند افراد و جماعات و امت را به یک جهتی، جهت‌انحرافی تا اینکه بعد سقوط می‌رسانند. می‌فرماید خطاها، اشتباهات، لغزشها، مانند اسبهای چموشی است که سوارانی بر آن سوار شده‌اند و افسارها گسیخته شده و اختیار از دست سوارکار بیرون رفته و یکسره سوارکار را بطرف سقوط گاه و جهنم می‌برند. "الاوان التقوی". اما تقوی، خودداری از گناه، ضبط نفس، در تحت هر شعاری نرفتن، تحریر نکردن، گول نخوردن، تقوای فکری، تقوای اخلاقی، تقوای اجتماعی، یک مرکبهای رهرو و رهواری هستند که سوار بر آنها باسانی می‌تواند به مقصد خود برسد و از مه، زمام آنرا بدست بگیرد و آنرا بطرف بهشت سوق بدهد.

این یک قسمتی است از خطابه امیرالمؤمنین، که متأسفانه یک قسمت بزرگی از این خطابه را مؤلف نهج‌البلاغه روی نظر خود، نادیده گرفته و حذف کرده و اگر مجال شد انشاءالله قسمتهای دیگر را هم به شما عرض می‌کنم.

امیدواریم این عید بزرگ، این عید با عظمت، به همه ما منشأ خیر و برکت

باشد و بهمهٔ مسلمین. عیدی بود بسیار پربرکت، اجتماعات بسیار عظیم، نماز جمعه و اجتماعات بسیار پرشکوه و پر معنا. این برکات وحدت، وحدت در هدف، وحدت در رهبری، همهٔ اینها برکت و خیر بود برای ما، ولی متأسفانه در اواخر این ماه پر برکت، ماه مبارک، ماه روزه، ماه تقوی، ماه توجه به خدا، ماه همبستگی قلوب و وجدانهای مسلمانها، یکمده مردم جانی این برکت را، این خیر را، آلوده کردند. مردمی که در انجام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند. تازه اسم خودشانرا هم دمکرات می‌گذارند. دمکراتی که مردم را به گلوله ببندد، مردم مظلوم را، مردم بیچاره، مردم بیطرف، پاسدارها، جوانهای پاسدار، بیمارها، ای خاک بر سرشان. چقدر این نام همیشه برای این کشور، نام دمکرات، خاطرات بدی داشته، بعد از جنگ بین‌المللی اول یکمده دمکرات پیدا شدند، سرخ‌شان معلوم نبود بکجا هست؟ همه چیز را بهم ریختند. ترور کردند و بعد از اینکه قدرت متمرکز شد، آنوقت یکمده بهروان بیچارهٔ مستضعف فریب‌خورده را بجا گذاشتند و فرار کردند رفتند بی‌کار - خودشان. آنها را گذاردند دم گلوله، دم چکمه. بعد از جنگ بین‌المللی دوم ۱۳۲۰ دیدید دمکراتهای آذربایجان چه کشتارها کردند. همینقدر که قدرت مرکزی قوی شد، رفت آنطرف، آنها فرار کردند. اینها را دم چکمه. امروز هم همان چهره‌ها هستند با اسم دمکرات. یکمده بیچاره، یکمده مستضعف، با شعارهای فریبنده، اینها را جمع کردند؛ اگر یک مقدار فشار زیاد شد، همانطوریکه حالا هست سران فرار می‌کنند. دست‌دوم و دست سوم را آنوقت دم چکمه. چه مکتبی دارند، چه می‌گویند، چه می‌خواهند. مگر بارها اعلام نشده شما برادران هر پیشنهادی دارید، هر مسئله‌ای دارید بیائید مطرح بکنید رسیدگی بشود. آنقدری که در امکان هست برای شما انجام خواهد داده شد. چه می‌خواهند اینها؟ اگر می‌خواهند تجزیه‌بکنند کردستان را در دامن کی می‌خواهند قرار بگیرند بهتر از دامن اسلام و رهبرهای اسلامی و مردم مسلمان. که من به یقین می‌دانم که چنین اندیشه‌ای در مردم وتودهٔ کردستان نیست که بارها هم اعلام کرده‌ام، جز خودخواهی، جز جاه‌طلبی، جز بلندپروازی مثل همهٔ حزب بازیها یکمده‌ای را جمع بکنند و شعاری بدهند و کلاه دیگران پس معرکه باشد. من نمی‌فهمم خوب، چرا باید. ما پیش از اینکه ارتش دخالت بکند از برادران کردمان انتظار داشتیم خود آنها این آتش را خاموش بکنند. چرا نمی‌کنند؟ ای برادران مسلمان، ای خواهران مسلمان کرد، ای کسانی که می‌دانید دل من برای

شما می‌تپید و ما و همه مردم ما برای شما و محرومیت‌های شما و فشارهایی که بر شما وارد شده، همه دلسوز هستند. چرا باید آلت دست یک مشت خودخواه، خودپرست. یک همچنین فاجعه‌ای، اینطور چهره مردم کرد، مردم بزرگوار، مردم سالم، مردم مرزدار، اینطور باید آلوده بشود. خدا لعنتشان کند آنهایی که این فتنه‌ها را ایجاد می‌کنند. در این روز عید صدمبار بر آنها لعنت. از درگاه خدا و خلق دورباش بر همه. بر همه اینها. چقدر ما سعی کردیم، کوشیدیم، با مذاکره با مهربانی، با دور هم نشستن مسائل را حل کنیم. چه این جوجه کمونیست‌های داخل خودمان، چه آنها. یک مشت جوان احساساتی، سی ساله، خیال می‌کنند قیم همه مردمند. قیم همه زنهای ما هستند، زنهای ما احتیاج به قیم ندارند. زن‌ها حقشان پایمال شده، مگر خودشان نمی‌توانند حرف بزنند. کارگر حقشان! بتوجه! تو که دستت پهنه نزده، نشسته‌ای. فقط شعار می‌دهی. جوانهای مسلمان ما هستند که توی این آفتاب و با این زبان روزه در میان این مزارع دارند کار می‌کنند. اینجا نشسته‌ای فقط شعار دادن. این شد مسئله. من خودم را برای دفاع از اینها داشتم فدیة می‌کردم. حتی در مقابل بعضی از تنگ‌نظرها، اندک‌بین‌ها من را متهم می‌کردند. حتی خود رهبر بمن می‌فرمود شما چرا مسامحه می‌کنید در برابر اینها. گفتم آقا اینها شاید به نصیحت، موعظه، تغییر اوضاع، تغییر شرایط، جذب بشوند به عامه مردم. و دیگر حوصله همه را سر آوردند. این رهبری که سراپا دلسوزی نسبت به مستضعفین و محرومین است ببینید چطور او را بخشم آورده‌اند. این کار بود؟ حالا بچشدن جزای اعمال خودشانرا. کارهایی که کردند. دیگر در مردم جا ندارند، بروند فکر دیگری بکنند.

بسم الله الرحمن الرحيم . و العصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر .

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لننتهدي لولا ان هدانا الله . والصلوة والسلام على نبي البشير النذير السراج المنير

ابوالقاسم محمد و علی المعصومین المنتجبین .

قسمت دیگری است از همین خطابه انقلابی علی . شغل من الجنة و النار امامه . مردم بصیر ، مردم دارای بینش که بهشت و دوزخ را در مقابل خود می بینند اینها باید از فتنه جوئی ها ، از انحرافها ، خود را نگهدارند و این مسیرنهائی حرکت را در نظر داشته باشند . ناع سریع نجا . مردم پیشرو ، مردم شتابان ، بطرف حق ، بطرف کمال ، بطرف خیر ، نجات می یابند . طالب بطی رجا . آنهائی که کند حرکت می کنند امید هست که شاید به سر منزل مقصود برسند . چه افراد و چه امتها . و مقصر فی النار هوی . آنهائی که کوتاه می آیند در انجام وظیفه ، در سرعت بطرف خیر و انقلاب حق و توحید ، آنها در میان آتش ، آتشفشائی که خود برمی افروزند ، سقوط خواهند کرد . الیمین و الشمال مضله . شمال در مقابل یمین یعنی چپ . راست روی و چپ روی حرکت بطرف گمراهی است . ما نمی دانیم این علی در آنروز با اینکه مسئله چپ گرائی و راست گرائی اصطلاحات همین یک قرن اخیر است ، چه جور مسائلش زنده است ! آنروز برای آن مردم می گوید راست روی و چپ روی هر دو بطرف گمراهی است . الیمین و الشمال مضله . در قسمتی از خطبه دیگر می فرماید درباره منحرفین : واخذوا یمینا و شمالا " . از صراط حق منحرف شدند ، یکعده راستگرا شدند . یکعده چپگرا شدند ، طعنا " فی مسالک الغی . برای اینکه هر چه می توانند راه گمراهی و گمراه کردن را بپویند . و ترکا " لمذاهب الرشد . تا راه رشد و حرکت و کمال را رها کنند . الیمین و الشمال مضله . من این عبارت را برای یک عده ای از نمایندگان و برادرهای کشورهای عربی و سفرای آنها می خواندم که این عبارت می دانید از کیست ؟ گفتند نمی دانیم . از نهج البلاغه ، بیچاره ها خبر ندارند . ما نتوانسته ایم منطق شعبه را بطور اصالت بدنیای خودمان برسانیم . خیال کردند از این عبارتهائی است که اخیرا " جعل شده . گفتیم این کتاب نهج البلاغه ، این عبارت مال علی است . الیمین و الشمال مضله . چپ گرائی و راست گرائی به گمراهی می کشد . آیا ما این تجربه را نداشته ایم در این مدت ما ایرانیها ؟ همیشه فزیه ای که خورده ایم یا از راست گراهای متعصب جامد خوارج نپروانی بوده یا از چپ گراهای بطرف مکتب های دیگر . والطریق الوسطی هی الجاده . راه وسط ، صراط مستقیم ، این جاده ای است که کاروان بشر را بسر منزل نجات و سعادت می رساند . علیها باقی - الکتاب . این کتاب باقی ، این قرآن بر همین مبناست . یعنی بر صراط مستقیم . نه

راست، نه چپ. و منها منفذ النسته، سنت رسول خدا و اولیاء دین اگر بخواهد راه پیدا کند نه در چپ گزائی می تواند راه بیابد نه در راست گزائی. در طریق مستقیم است. و علیها مسیر العاقبة. عاقبت خیر در همین طریق وسطی است. هلاک من ادعی. مردم پر ادعای کم کار و فریب کار از بین خواهند رفت در حکومت ما. بروند دنبال کارشان. و خاب من افتری. آنهایی که دروغ می یافند تهمت می زنند، اینها هم دستشان خالی است. فقط مردم صادق این وسط می توانند راه انقلاب را، انقلاب علی را پیش ببرند. من ابدی صفحه للحق هلاک. کسی که روبروی انقلاب بایستد باید هلاک بشود، باید نابود بشود. (صحیح است). بمن نگوئید صحیح است برادرها، به علی بگوئید صحیح است. من عبارت علی را می گویم. من ابدی صفحه. انقلاب، انقلاب محرومین است. انقلاب، انقلاب توده مسلمان است. انقلاب، انقلاب پیروان قرآن است. انقلاب، انقلاب پیروان توحید است. هرکس که از این مسیر منحرف شد باید پایمال بشود. (صحیح است). من ابدی صفحه للحق هلاک اگر نشستند و در مقابل حق نایستادند کاری بکارشان نداشته باشید. همانطوریکه امامان فرموده، همانطوریکه وارث علی گفته است. من ابدی صفحه للحق هلاک. و کفی بالمرء جهلا "ان لایعرف قدره. چقدر یک انسان جاهل و پست است که قدر خود را نشناسد. و لایهلاک علی التقوی سنخ صل. ولا یظما علیها زرع قوم. در محیط تقوی ریشه زراعت هیچ کس خشک نخواهد شد. همه به آمال خودشان، چه آمال دنیویشان، چه آمال اخروی شان خواهند رسید. در مقابل در محیط بی تقوایی، بی بندوباری، دروغ گوئی، فریب، افترا، ادعاهای بیخود، گول زدن آنها، همه محروم خواهند بود. همان کس هم که خیال می کند زرنگ است و دیپلمات، آنهم محروم خواهد بود. این عبارت را حفظ کنید. لایهلاک علی التقوی سنخ صل. ریشه زراعت و آمال هیچ فردی بر مبنای تقوی از بین رفتنی نیست. معجزه است این جمله، مثل سایر جملات. ولا یظما علیها زرع قوم. زراعت هیچ قومی تشنه نخواهد ماند. آمالشان، اعمالشان، فعالیتهایشان، همه به ثمر می رسد در محیط تقوی. فاستتروا فی بیوتکم. این خطاب به ضد انقلابهاست. آی ضدانقلابها بروید توی خانه بنشینید. فاستتروا فی بیوتکم. و اصلحو ذات بینکم. خودتان را اصلاح کنید. اصلاح کنید تا جامعه شما را بهبودد. فاستتروا فی بیوتکم و اصلحو ذات بینکم و التوبه من ورائکم. اگر واقعا "توبه کردید، برگشتید، توبه پشیمان شمامست، با

شماست. شما را دستگیری خواهد کرد. و لایحمد حامد الا ربه اگر کسی کار خیری کرد و خدمتی انجام داد و خیری باو رسید از هیچکس ستایش نکند فقط از خدا. ستایش گوئی، مداحی را کنار بگذارید. بهرکسی خیری رسید فقط پروردگارش را ستایش کند. ولا یلم الا نفسه. و اگر کسانی منحرف شدند، گناه کردند فقط خودشانرا سرزنش کنند.

این قسمتی است از خطابه تاریخی و انقلابی علی که ماهم باید هشیار باشیم امیدوار باشیم در همین خطی که علی همین کرده است حرکت کنیم. خداوند همه ما و شما را و همه این ملت را به راهی که خودش صلاح می داند هدایت کند. همه گمراهان ما را خداوندا هدایت بفرما. من به همه برادرانم به برادران ارتشی، پاسدار، و کسانی که اعزام شدند بطرف کردستان، همان توصیه ای که دیشب امام فرمود، این رهبر با بینش عالیقدر ما، همین توصیه را ما همه باید بکنیم که فقط کسانی که متعرض جان و ناموس و حیثیت مردم شده اند آنها باید معدوم بشوند. اما آنهایی که فریب خورده اند رحمت خدا همانطوریکه علی فرمود بالاسر آنها هست و ما مسلمانها و همه مسلمانها هم از آنها خواهیم گذشت غفرالله لنا ولکم، ربنا اغفر لنا ولاخوانناالذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا " للذین آمنوا ربنا انک رؤوف رحیم (۱۰) و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین.

والسلام علیکم.

نماز جمعه پنجم، در دانشگاه تهران هشتم شوال - نهم شهریورماه ۵۸

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بر همه شما برادران و خواهران و فرزندان عزیز. درود بر همه مسلمانان متعهد و جوانان مجاهد. قبل از شروع خطبه، رسمی نماز جمعه، این مسئله شرعی را که بارها تذکر داده شده یادآوری می‌کنم که کسانی که در نماز جمعه حضور دارند، باید رعایت کنند، هنگام خطبه که جزء نماز است، سکوت کنند، شعار ندهند، صلوات بلند نفرستند، صحیح است نگویند، صفها بیکدیگر متصل باشد، اگر احیاناً "در نماز احساس اخلاقی کردند چه درباره سکوتیکه هنگام خطبه باید داشته باشند و حتی الامکان روی از قبله برنگردانند و چه از جهت فواصلی که گاه پیش می‌آید، پس از نماز جمعه که نماز عصر خوانده می‌شود می‌توانند نماز ظهر را احتیاطاً" اعاده کنند. مسئله دیگر، برای مزید رحمت و مغفرت و قدردانی از شهدای راه اسلام و انقلاب اسلامی، با آنهایی که خونهایشان در میان تپه‌ها و کوهستانها و دشتهای کردستان به زمین ریخته شد. جوانان پاسدار، سربازان و افسران و دیگر شهدا، بخصوص شهید آخرین ما، برادر عزیزمان، شخصیت مجاهد با بینش، مرحوم حاج مهدی عراقی و فرزند عزیزش برادران و خواهران بیباخیزند و سوره فاتحه را بخوانند. رحمة و برکات علیهم و لعنة الله علی قاتلیم.

خطبه اول

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمين . مبیر الظالمين . یرفع -
المستضعفين ، یضع المستکبرين . اللهم صل و سلم علی عبدک و رسولک السراج
المنیر محمد بن عبدالله و علی آله و اصحاب المنتظرین و علی الائمة الطاهرین

الهداه المهديين . تعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان " .
بسم الله الرحمن الرحيم - قل اعوذ برب الناس ، ملك الناس ، اله الناس ، من -
شر الوسواس الخناس ، الذي يوسوس في صدور الناس ، من الجنة والناس والسلام
عليكم ورحمة الله وبركاته .

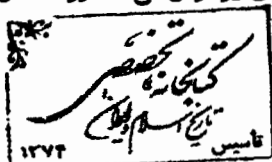
این وظیفه مهم بزرگ و مسئولیت همگانی که در میان موحدین و مسلمین باید مراعات و اجرا بشود ، در هر کار خیری و در هر عملی که مورد رضایت خداست و برای پیشرفت و تعالی فکری و زندگی و اقتصادی مسلمانان است ، همه باهم باید تعاون داشته باشند " بر ، وتقوی " و در آنچه که عصیان است ، گناه است ، تجاوز است ، باید همه در مقابل آن بایستند و علیه عصیان و طغیان یک صف تشکیل بدهند . امروز بزرگترین مسئله‌ای که برای همه ما بعد از انقلاب ، این انقلاب پیش‌رس و برای دولت ما ، ملت و همه گروههای مخلص ما مهم است همین تعاون است ، اگر دولت پشتیبانی از ملت نداشته باشد ، بیاریش نشتابند ، کاری از او ساخته نیست ، همینطور اگر ملت پشتیبانی از دولت و قدرت اجرایی دولت نداشته باشد کارها فلج است . من نمی‌خواهم بگویم که دولت از هر جهت کارهایش و روشش مورد تأیید است . ضعفهاست . ولی از طرف دیگر ، بعد از این انقلاب ، بقدری مشکلات که من از نزدیک وارد هستم و همه هم تا حدی میدانید ، برای دولت در پیش بوده که شاید در هیچ انقلابی اینقدر مشکلات نداشته‌اند . آماده نبودن عموم مردم برای سازندگی ، نداشتن یک برنامه قبلی ، همه احزاب و گروههای انقلابی ، گروههایی که در هر کشوری دست به انقلاب می‌زنند ، قبلاً " یک برنامه‌ای مفصل با مجمل دارند ولی ما نداشتیم از جهت دیگر خواهناخواه برای حفظ امنیت و حفظ کشور مسئولین ، کارها را دست گرفتند ، مانند کمیته‌ها ، دادگاههای انقلابی ، که چاره‌ای هم جز این نبوده ، با وضعی که قوای انتظامی ما داشت و دارد ، پلیس ما داشت و دارد ، ژاندارمری ما داشت و دارد ، اگر این کمیته‌ها تا حدی استقلال نداشتند و همینطور این فرزندان و برادران از جان گذشته و مجاهد ما ، پاسداران در کارها دخالت نمی‌کردند ، اکنون همین قدر ثبات و امنیتی که ما احساس می‌کنیم ، نداشتیم . هر روز درگیری و هر روز کشتار ، در همه انقلابهای دنیا شما ملاحظه بکنید بعد از انقلاب ، مدت‌ها کشتار ، زد و خورد ، روزها هر روز صدها ، هزارها کشته میدادند ، این مربوط به قدرت رهبری می‌باشد که در رهبری اسلامی و نافذ در قلوب و اندیشه‌های همه مردم است از طرف

دیگر مسئولیتهایی که کمیته‌ها بدست گرفتند ، با اینکه البته لغزشها و اشتباهاتی هم پیش آمد ، از این جهت من به سهم خود تضعیف دولت را بیش از اینکه هست جایز نمی‌دانم ، باید انتقاد بکنید ، و شما ملت مسلمان متعهد هم همکاری بکنید ، در اجرای کارها . دولت عبارت است از یک چندوزیر و یک عده کارمند ، کارمندهایی که شاید اغلب اینها نمی‌توانند درست وظایفشان را انجام بدهند و قوای مجریه‌ای که اینها هنوز نتوانسته‌اند جاباز کنند در میان انقلاب . پس کی می‌ماند ، شما ملت ، باید همکاری بکنید ، بخصوص با تأییدی که حضرت آیه‌الله امام می‌کنند از دولت و شرایطی که اکنون ما به سر می‌بریم ، شرایطی بسیار خطیر ، دسیسه‌ها از هرسو و تحریکات از داخل و خارج برای از میان بردن این انقلاب ، به ثمر نرساندن آن ، در همه جای منطقه در کار است . یکی از طرحهایی که به نظر عده‌ای می‌رسد شاید چندان مهم نیست همین طرحی است که شهرداری ما برای مسئله ترافیک داده‌است مسئله ترافیک در دنیای تولید و مصرف مسئله بسیار پیچیده است و هنوز هم نتوانسته‌اند حل بکنند ، چون آئین نامه است و قانون ، بدون تعهد مردم درکشور ما مسئله ترافیک ، وقتی می‌شود عصبانیت‌ها ، استهلاک ماشین‌ها ، مصرف بنزین‌ها ، همین است که استعمار خواسته و عوامل استعمار که ما سرگرم این مسائل جزئی باشیم و بعد هم عصبانیت و بعد هم به جان هم بیفتیم بعد هم مصرف تولیدات خارجی و همی ماشین پشت ماشین ، هرکسی از حقوق بگیرها ، حتی کارمندهای جزء اگر خانه‌اش اجاره‌ای است ، اگر حتی فرش درخانه‌اش نیست روی رقابت‌ها و تحریکها باید لااقل یک ماشین پیکان داشته باشد . این وضعی است که ملاحظه می‌کنیم و رژیم سابق هم در مانده شده بود با اینکه به دست خودش این وضع را پیش آورد ، ما از همه برادران و خواهران تقاضا می‌کنیم برای نشان دادن قدرت انقلابی خودتان و نشان دادن ایمان و محبت و صمیمیت خودتان به همه دنیانشان دهید که ما قابلمه فقط به شعار نمی‌شود اکتفا کرد . در عمل قابلیت خودمان را باید نشان بدهیم از فردا اتوبوس‌ها براه می‌افتند .

آنهايي که ماشین سواری دارند حتی الامکان جز در موارد ضروری استفاده نکنند . من در همین چند روز که در خیابان عبور می‌کردم از اول مسیر تا آخر مسیر اغلب ماشین‌ها ، یک نفر یا دو نفر راه مردم را اشغال کرده‌اند . اتوبوسها باید که به سرعت حرکت کنند و اکثر مردم باید این کار انقلابی این وظیفه اسلامی و این

چهرهٔ اسلامی خودشان را نشان بدهند و سوار اتوبوسها بشوند. ماشینها را کنار بگذارند، جز در موارد ضروری. باهم تعاون داشته باشند، ملاحظه حال پیرمردها، پیرزنها، مریضها را بکنند و همینطور رانندهها، با اخلاق رفتار کنند و مسافرین هم اخلاق اسلامی خودشان را نشان بدهند، باهم تعارض نکنند، باهم درگیری نداشته باشند و در عین حال یک شهر متحرکی که عبارت است از این اتوبوسها و ماشینهای عمومی در شهر به راه خواهد افتاد و در میان این ماشینمسائلی می تواند مطرح شود ولی مراقب باشید از آنچه که هر فرصت طلبی و خودخواهی از هر مسئله ای می خواهد استفاده بکند. باید پاسداران را احترام بگذارید، ما مورین راهنمایی را احترام بگذارید، دستورات آنها را اجرا بکنید، آنها بی که تحریک می کنند و هر وسیله و هر چیزی را وسیلهٔ تحریک و تشنج و شایعه سازی درست می کنند آنها را همه موظفیم جلوگیری بکنیم "نفاثات فی العقد" آنها بی که دائما "می دهند، آن خناسها، "اعوذ بالله من الشیطان الرجیم قل اعوذ برب الناس" هر روز صبح که از خانه بیرون می آید این دو سوره را بخوانیم، ولی نه قرائت، به خودمان تلقین کنیم "بسم الله الرحمن الرحیم - قل اعوذ برب الناس - ملک الناس - اله الناس من شر الوسواس الخناس - الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس والسلام

علیکم ورحمة الله وبرکاته"



خطبهٔ دوم

"بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله خالق الاحد فاطر السموات والارضین - معز من یشاء و مذل من یشاء بیده الخیر و هو علی کل شیء قذیر. اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک المنتخب الذی ارسلته هدی للناس و علی اصحابه و خلفائه المنتخبین".

در نماز جمعه دو سوره مستحب موکد است، یکی سوره جمعه، که دستور صف مسلمانهاست، صف عبادت، صف جهاد، صف همبستگی، روابط دلها و روابط قلبها، که مهمترین مسئله است، این روابط باید تجدید بشود، در شبانه روز در جماعت های صبح و ظهر و مغرب و عشاء تا از زندگی، از توجه به امور عادی زندگی، و از آلودگی به تحریکات و احساسات، خودخواهی، مال پرستی، خدعه، فریب، بیرون

بیاییم و در صف جماعت قرار بگیریم، تجدید حیات بکنیم، با هم پیوسته بشویم، امتیازات را الغاء بکنیم، دوباره برگردیم به زندگی معمولی، این از معجزات دستور اسلام است نه مثل رهبانیت که فقط از زندگی کنار بکشند و همه چیز را ترک بکنند و نه اینکه یکسره غرق در شهوات و زندگی باشیم. این یک مبارزه متحرک و دائم است بین زندگی و بین حق و توحید و خداپرستی و این منشأ هرگونه تعالی انسانی است هم در روزهای جمعه و هم در آن مناسک بزرگ حج، این است که سورهٔ جمعه در خطبهٔ اول، دستور مستحبی مؤءکد است، برای تشکیل چنین اجتماع و ادامهٔ چنین اجتماع، سورهٔ دوم سوره منافقین است، یعنی آن خطرهایی که این اجتماع را متلاشی می‌کند، آن خطری که از درون نفوذ می‌کند، آن خطری که از اول اسلام بود و هرچه ما مسلمانها بعد از طلوع اسلام ضربه خوردیم، بدست منافقین بوده است نه بدست کفار، کفار چهرهٔ شناخته شده‌ای دارند، صف‌شان جداست، ولی منافق یعنی انسان چند چهره یعنی کسی که با چهرهٔ دین نفوذ می‌کند در صف مسلمانها ولی این یک چهره است چهره ظاهر، باطنش چهره کفر است چهره وابستگی با بیگانگان است چهره ضد اسلام است، در بسیاری از آیات شریفه قرآن چهره منافقین بیشتر ترسیم شده است تا چهره کفار، در سورهٔ بقره دوآیه درباره کفار است، ولی وضع منافقین، اندیشه‌های آنها، کار آنها، چند چهره بودن آنها، شب اینها، روز اینها، در اجتماعات چگونه نفوذ می‌کنند. هم چنین در سایر سوره‌های قرآن تأکید شده که ما چهره منافق را بشناسیم، همین است که در سوره منافقون می‌فرماید که:

"اتخذوا ایمانهم جنهٔ فصدوا عن سبیل الله انهم ساء ما کانوا یعملون".

اینها عهدها و پیمانهای خودشان را سپر قرار میدهند برای اینکه پشت سپر، توطئه‌ها و دسیسه‌ها خودشان را پنهان بکنند و هیچ پای‌بند عهد و پیمانی نیستند - اینها کوشش دارند که راهیکه انبیاء باز کردند و اسلام باز کرده بطرف حق، به طرف خیر، به طرف عدالت سد کنند. امروز برادرها، خواهرها، فرزندان عزیز اسلام، ما دچار چنین منافقین شرور و حیله‌گر و فریب‌کاری هستیم که گاه به چهرهٔ اسلام در می‌آیند، به چهرهٔ ایرانی، بسیار هم اظهار دلسوزی می‌کنند برای مردم، ولی وابسته به جاهای دیگر هستند، مؤءلف با جاهای دیگر هستند، چهره چهره ایرانی ولی روح و درون و نفسش، نفس، اندیشه، فکر، خلق، امپریالیست

صهیونیست و دیگر قدرتهاست یعنی کوبیدن مسلمانها، در چهره ایرانی، این گرفتاریهایی که امروز در مرکز، در شهرستانها، بخصوص در کردستان برای این کشور پیش آمده، بدست کیست؟ آن ساواکی، آن دزد فراری که با سرکرده‌شان فرار کردند و آن صهیونیستی که نمی‌آید خودش را معرفی بکند، در چهره این احزاب این گروهها در می‌آید و شعارهای فریبنده میدهد، و چنین فتنه‌هایی برمی‌انگیزد مسئله مسئله سطحی نیست که ما گمان کنیم که با یک خواستهایی طرف هستیم، و از این جهت خواستهایشان گنگ است، می‌آید تعهد می‌کند ولی پایند تعهدات خودشان نیستند، والا کدام دولت و کدام منشأ اثر و کدام رهبری است که بایک خواست‌های معقول و منطقی یک گروهی مخالفت کند، چه بهانه‌ای اینها دارند، چه می‌گویند، آیا هیچ این مسئله تا بحال مطرح شد. که اینها چه می‌خواهند؟ برحسب ظاهر چند مسئله‌ای را مطرح می‌کنند و می‌گویند خواستهای ما این است ولی در باطن چی؟ در باطن همان مرامنامه حزب دمکرات ده، بیست سال قبل است که در مقابل رژیم آن مرامنامه را تنظیم کردند، یعنی بالاخره تجزیه، ولی اکثر برادران کرد ما، خواهران کرد، هم از این دسیسه زیر پرده بی‌اطلاع هستند، بارها می‌گویند اگر شما دیوار آهنی هم در مقابل ما و دیگر برادران مسلمان ما بکشید، ما دیوار را فرو می‌ریزیم، راست هم می‌گویند ولی اینها نیستند. آنها می‌گویند که دسیسه می‌کنند، اینها نیستند، می‌آیند اظهار می‌کنند، می‌خواهیم درس‌نویس خودمان مختار باشیم، فرهنگ کردی را تعلیم بکنیم، خوب بکنید، کسی جلوگیری نکرده است. می‌خواهیم انجمن‌های شهر و روستا را تشکیل بدهیم، خوب بدهید، کسی جلوگیری کرده؟ بعد دیگر چه؟ می‌خواهیم پایگاههای نظامی ارتش از اینجا برود، پاسانهای غیربومی بروند، یعنی چه؟ آخرش چی؟ آخرش یعنی ما هرکاری دلمان می‌خواهد بدست خودمان باشد، فقط دولت مرکزی به ما نان بدهد، آب بدهد، نفت بدهد، پول بدهد، آخر مسئله به اینجا می‌انجامد، دیگر هیچ دخالتی در کار ما نکنند، یعنی دولت فقط جیره ده، یعنی که نفت را از خوزستان بیاورند به اینها بدهند و اینها هیچ تمکینی از دولت مرکزی نداشته باشند، این شدنی است؟ همه چیز بدست خود ما، فقط بودجه بدست دولت، از جای دیگری ما بودجه بدهند، خودمان میدانیم. آیا این سؤال مطرح نیست که قریب ۲۰ هزار، ۳۰ هزار مسلح با حقوق سه هزار تومان، ۴ هزار تومان، ۵ هزار تومان، از کجاست

می‌شود، برسید، آیا به عهد و پیمان‌شان وابسته هستند و متعهدند، همان‌طوریکه من به آنان گفتم، شما عهد دارید، شما پیمان دارید، افسر ایرانی، سرهنگ، سربازها، افسرهایی که برای حفظ امنیت آمده‌اند، به اینها تأمین می‌دهید، پرچم امنیت می‌گذارید روی ماشین‌شان، بعد همین که بیرون آمدند به گلوله می‌بندید، با شما می‌شود پیمان بست؟ یک مردمی که از اول گفتند، ما به جمهوری اسلامی رأی نمی‌دهیم یعنی خودشان را عملاً "از ۹۸ درصد مسلمانها و مردم ایران جدا کردند. یهودی رأی داد، زرتشتی رأی داد، مسیحی رأی داد صابئی رأی داد، ولی یک عده‌ای گفتند ما رأی نمی‌دهیم، رأی نمی‌دهید، خوب پس چه می‌خواهید اون ملایی، اون پیشوای مذهبی که می‌گوید من رأی به جمهوری اسلامی نمی‌دهم یعنی چه؟ جمهوریت اسلامی غیر از این است که قوانین قرآن و قوانین الهی پیاده بشود؟ این چه جور پیشوای مذهبی است که نمی‌خواهد قوانین الهی پیاده بشود و پیشوای دین هم هست، یک نمونه‌ای برای شما، برای روشنگریتان عرض می‌کنم، نخواستم من زیاد افشاگری بکنم، همان موقع که در چهارماه، پنج ماه قبل مسئله سندج پیش آمد، ما با دوستانمان رفتیم برای حل مسئله، بعد از تحقیقات معلوم شد یک درگیری بین کمیته شیعه و کمیته اهل سنت ایجاد کردند و بعد هم یک نفری به تیرمجهولی کشته شد، و بعد هم یکی از همین آقایان سران، رفت تلویزیون و رادیو گرفت، دستور داد ژاندارمری را بگیرد، خلع سلاح کردند ژاندارمری را، رئیس ژاندارمری هم زود تسلیم شد، حال نمی‌دانم چه شغلی بهش دادند و بعد شهربانی هم تسلیم شد و بعد هم حمله کردند به پایگاه نظامی، آنها هم از خودشان دفاع کردند، اگر آن روز مرکز نظامی سندج سقوط کرده بود میدانید چه فاجعه‌ای می‌شد؟ تا وارد شدیم عوامل آنها فریاد برداشتند که ارتشی‌ها جوانهای ما را کشتند، با بمب به سر ما ریختند، خمپاره ریختند روی سر ما، خوب ما راهم ناراحت کردند که چرا ارتش چنین کاری کرد، برای چه، چه جنگی دارد با این مردم؟ خدا رحمت کند مرحوم شهید قره‌نی را، با او تماس گرفتیم او گفت ما دستوری ندادیم برای حمله به مردم، اینها حمله می‌کنند به پادگان، ما دفاع نکنیم؟ اسلحه‌ها را بدهیم دست اینها؟ سربازانمان را به کشتن بدهیم؟ باز باور نکردم، در جلسه‌ای که رفتیم در میدان عمومی چند عدد از این چیزهایی که شبیه کله‌قند است جلوی ما گذاشتند که با اینها ما را کشتند، به بیمارستانها رفتیم عجب وضعی پیش آمده، بالاخره رفتیم به پادگان برای اینکه

به اینها اعتراض کنیم چرا به سر مردم خمپاره ریختند، بعد متوجه شدیم یک عده جوانهای سرباز، متدین، متعهد ایستادگی کرده‌اند در مقابل حمله آنها و از سوی دیگر هم دوسه نفر سرهنگ بودند که خودشان بومی آنجا بودند، گفتند آقا به ما حمله می‌کنند، وضع پادگان در یک سطح پایین واقع شده است، از بالا و پایین شب و روز به ما حمله می‌کنند، دفاع نکنیم؟ گفتیم خوب حمله می‌کنند چرا با خمپاره به اینها حمله کردید؟ گفتند خمپاره نبود، اینها مشعل‌هایی است که ما پرتاب می‌کنیم که اطراف خودمان را روشن کنیم، مشعل‌ها را به هوا پرتاب کردند، گفتند بعد از آنکه سوختنش تمام شد، وقتی سقوط کند آسیبی نمی‌رساند، همانها را برداشتند، این فریبکارها جلوی ما رژه می‌روند که با اینها ما را کوبیدند. از هر فرصتی استفاده کردند. آن وقت به من پیام می‌فرستند علمای آنجا، سران آنجا، که مثل مغولها به ما حمله می‌کنند و این ارتش شما آمده ما را می‌کوبد، ارتش ابتدا وارد شد؟ فتنه را کی ایجاد کرد؟ از کجا شروع شد؟ هیچ بررسی شده؟ اینها آیا به عهد و قولشان پای بند هستند؟ اگر مسائلشان این باشد بسیار آسان قابل حل است، ولی مسئله این نیست، اینها صداشون از خودشان نیست، اینهایی بودند که رفتند اروپا زیر لاک خودشان پنهان شدند، این مردم مسلمان خون دادند، حالا ساکت‌ها به صدا درآمده‌ان، تسلیم شده‌ان، انقلابی شده‌ان، وابسته‌ها دوباره آمدند توکار. اینها کجا بودند؟ چه میکردند؟ بعد یکی از علما می‌نویسد و یک آیه هم به رخ می‌کشد: "تلكم اعداء الاخره نجعلها للذین لا يريدون علواً في الارض ولا فساداً" آیا ارتش ما علو کرده؟ رهبرهای ما علو کردند در زمین؟ اینها هم‌ايش طرفدار مستضعفين طرفدار بیچاره‌ها و طرفدار محرومین هستند، کی علو کرده؟ کی فساد در زمین می‌کند؟ باید بدانند برادرها، خواهرهای کرد، حساب شما از آنها جداست، این ننگی که دارند به پیشانی کردستان می‌زنند، اینهمه مجاهدتهایی که کرده‌اند کردند، دارند از بین می‌برند، اینها یک عده محدودی هستند، باید حساب مردم کردستان، برادران و خواهران مسلمان و متعهد و ایرانی را از یک مشت کسانی که معلوم نیست از کجا کمک می‌گیرند جدا کرد متهم میکنند از کشور بزرگ شمالی ما به آنها کمک میرسد. متهم میکنند از یک کشور اسلامی به اینها کمک می‌رسد. از اسرائیل می‌رسد، از طرف دزد‌های فراری و نوکر رژیم سابق هر روز به اینها پول و اسلحه داده می‌شود، پس می‌خواهند مردم در مقابل این دسیسه‌ها ساکت بنشینند، ارتش دخالت نکند؟ پس چه

بکند؟ پس ارتش برای چه روزی است؟ و این درگیری عاقبتی برای کردستان ندارد، جز خرابی، جز کشتار، جز ویرانی، جز از بین رفتن آبروی برادرها و خواهرهای کرد ما، هیچ محصولی ندارد، سی میلیون جمعیت ایران و مسلمانها تسلیم یک مشت خودخواه و وابسته به دیگران نخواهند شد. خودشان باید در ابتدا حساب اینها را برسند، نمی‌رسند؟ چاره نیست جز ارتش، ارتش دخالت نمی‌کند؟ نمی‌تواند؟ ضعف پیش می‌آید؟ همه ملت ایران، امام خمینی هم راه می‌افتد. ما این انقلاب را مفت بدست نیاوردیم که بازچه یک مشت بازیگر بین‌المللی بشویم. ۶۰ هزار بهترین جوانهای ما کشته شدند. خیال می‌کنند به این مفتی؟ خیلی خوب تو برو کنار، بعد بلوچستان را تحریک کن، بعد خوزستان را تحریک کن، بعد دولت مرکزی باقی بماند با تهران و کویرلوت و یزد و کرمان. عاقبت کار همین است. اگر مطلبی، پیشنهادی انسانی، معقول و راست دارند پیشنهاد بکنند. منهای آنهایی که دستشان بخون مردم آلوده شده والا همینطور مبهم هر روز یکجا تحریک کردن، این ملت تحمل نمی‌کند. قرآن هم تحمل نمی‌کند. قرآن هم می‌گوید "قاتلوهم حتی لا یكون فتنه" هر جا فتنه شد باید بکوبی و فتنه را قرآن، دین ماقبول نمی‌کند. اگر مسئله‌ای است، مطلبی است معقول و حقی است، که اسلام هیچ حقی راضیع نمی‌گذارد، هیچ مرام و مسلکی به اندازه اسلام به مردم حق نداده است، بیایند اعتراض کنند. آتش افروزی برای چیست؟ تحریکات برای چیست؟ بالاخره بدست شما ملت، این آتشها باید خاموش بشود و فتنه‌ها از میان برود "حتی یكون الدین لله" فقط حاکمیت برای خدا و برای قانون خداست

"بسم الله الرحمن الرحيم، تبت یدای لیب و تب، ما اغنی عنه ماله و ما کسب، سیصلی نارا ذات لیب، و امرأته جمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد".
ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان و لا تجعل فی قلوبنا غلا—
للذین امنوا "و یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء و اتقوا الله الذی تسائلون به و الا رحام ان—
الله کان علیکم رقیبا"

"ربنا ولا تحملنا مالا طاقه لنا به واعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین و انصرنا علی القوم الظالمین برحمتک یا ارحم الراحمین السلام علیکم ورحمة الله و برکاته"

نماز جمعه ششم، در بهشت زهرا
پانزدهم شوال - شانزدهم شهریور ۵۸۵هـ

خطبه اول

سلام بر همه شما و درود بر شهدای ما و درود بر ملت قهرمان مسلمان ما و درود بر رهبر عالیقدر ما. همانطوری که دین ما، قرآن ما، خدای ما از شهدا تعظیم و تجلیل فرموده است شما برادران و خواهران که در مزار شهدای اسلام در زیر این آفتاب سوزان جمع شده‌اید برای تعظیم و احترام و مغفرت بیشتر نسبت به شهدای عزیز ما همه از جا برخیزید و سوره فاتحه قرائت کنید. اللهم اغفرهم اللهم عزم غرورهم وحسروهم مع اولیائک وشهدائک اولین والین قاتلیهم اجمعین بسم الله - الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الحمد لله المذل المعز الذی یشخرج الحی من المیت و یشخرج المیت من الحی و یعزمن یشاء و یذل من یشاء بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر. اللهم صل و سلم علی عبدک و امینک البشیر النذیر السراج المنیر محمد بن عبدالله و علی اله الطیبین الطاهرین و الائمة المعصومین الهداة المهدیین و علی اصحابه المنتجبین و علی جمیع الانبیاء والمرسلین والشهداء والصدیقین والصالحین - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتا بل احیاء و لکن لاتشعرون (۱۲). در منطق انبیاء در منطق قرآن مسئله مرگ بخصوص برای انسانهای مجاهد و پیشرو و شهدا حل شده است. در این آیه قرآن به صراحت و قاطعیت می‌گوید درباره کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند کلمه مرگ را بردارید. نگویید اینها مرده هستند بلکه اینها زنده هستند و لکن بیشتر مردم و شما چنین استتعاری ندارید. این راهی است که انبیاء باز کردند

و دیوار بین این زندگی و زندگی آخرت و زندگی برتر را برداشتنند و این راز را برای انسانها گشودند که مرگ نیست، تحولی است از زندگی به زندگی دیگر از رحم طبیعت به فضای بزرگ و وسیع و عالی الهی. بخصوص مرگی که فی سبیل الله باشد. راه خدا، جهاد فی سبیل الله، قتال فی سبیل الله، هجرت فی سبیل الله، سختیها و شکنجهها فی سبیل الله این راه خداست. راه خدایی است که راه نجات خلقهاست. راه آزادی انسانهاست، راه خدا نه به طرف آسمانهاست و نه شرق و نه غرب و نه جنوب و نه شمال. راه خدا همین است در همه آیاتی که درباره جهاد، قتال، هجرت، حرکت، مبارزه آمده قید فی سبیل الله است اولاً "برای اینک جهادها و کوششها از جهت خودخواهی، سلطه جویی، تحمیل، به بند کشیدن و غنیمت ربودن نباشد فقط برای نجات انسانها برای نجات همه مردم برای گشودن بندها، برای آزاد کردن انسانها، برای برداشتن سدهایی که مردم را از هم جدا کرده و راه خدا را، راه تعالی را، بسته است. همین راه تعالی خود انسان است. در دیگر عبادات شخصی قید فی سبیل الله نیست. رابطه ای است بین انسان و خدای خود ولی در این گونه عبادات، جهاد، کوشش، به میدان جنگ رفتن، با دشمن مقابله کردن، هجرت نمودن همه فی سبیل الله که ملاحظه می کنید که سبیل خدا همین راه نجات مردم است هم مردم را نجات دادن، هم خود انسان از شهوات و غرایز و سقوط در زندگی کثیف دنیوی نجات پیدا کردن والا انسان گوشه ای بنشیند و در افکار و اندیشه و خیالات خود فرو برود و تنها تسبیح و تحمید بگوید این از نظر اسلام منشأ تقرب به خدا نیست، چه بسا کسی که در گوشه ای نشسته و به زبان سبحان الله می گوید و در درون اندیشه هاییش آلودگی و نقشه های شیطانی است. چه بسا انسانی که با تسبیح، الله و اکبر می گوید، ولی مال و ثروت و قدرت طلبی و شهوات را بزرگتر از هر چیز می داند، چه بسا انسانی که به زبان در گوشه خانقاهی، مسجدی به تنهایی الحمد لله می گوید ولی در درون آلوده به هرگونه رذائل خلقی و اندیشه های پست است. آنچه که راه خداست و انسان را از زمین می کند و به آسمان می پیوندد و در ردیف ملائکه قرار میدهد جهاد فی سبیل الله است. سبیل مردم، سبیل خدا، یک راه است سبیل مردم سبیل خداست. هجرت فی سبیل الله، رنج کشیدن فی سبیل الله، انفاق فی سبیل الله، در مقابل سبیل شیطان، سبیل طاغوت، سبیل غی، در مقابلش سبیل رشد، سبیل رشاد. راه رشد انسانها همین است در این آیه به صراحت می گوید این

کلمه «مرگ» را از زبان بیاندازید. درباره «کسانیکه فی سبیل الله کشته می شوند و این عالی ترین تعالی انبیا است که کلمه «مرگ برداشته شود، وقتی کلمه «مرگ درباره شهدا برداشته شد چنان نیرویی برای اجتماع و افراد پیش می آید که هیچ قدرتی توان مقاومت ندارد. بزرگان، محققین، فلاسفه برای تشکیل مدینه فاضله و برای مردمیکه در راه تحقق چنین اجتماع بزرگ و عظیم انسانی هستند می گویند باید کلمه «مرگ از چنین اجتماعی حذف شود. همانطوریکه از زبان باید حذف شود از اندیشه هم باید رانده شود. *ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون فرحين بما آتاهم الله من فضله ويستبشرون بالذین لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم ولا هم يحزنون* (۱۳) در این آیه می گوید از اندیشه بیرون برانید. این جور حساب نکنید که کسانیکه در راه خدا کشته شده اند مرده اند، اینها نمرده اند. رزق پیدا می کنند. دارای فرح می شوند، انبساط وجودی پیدا می کنند و دائما «بترتوفاکن بر دیگران هستند. فرحین بما آتاهم الله من فضله و يستبشرون بالذین لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم ولا هم يحزنون. این انسانی که در این محدوده مادی گرفتار است و دائما «نگران است یا نسبت به گذشته محزون است آنچه که از دست داده، غنایمی که بدست نیاورده، شهواتی که به آنها نرسیده، لذاتی که از دست فوت شده، ثروتی که از دست داده این حزن است نسبت به گذشته خوف نسبت به آینده که چه خواهد شد. زندگی من، بقاء من، حیات من حیات خانواده من، این انسانی است که مثل حبیبی در روی موج خون و خوف گرفتار است و همه بشر گرفتار است. قرآن می گوید اینها می خواهند بشارت بدهند، سعی می کنند به هر زبانی به بازماندگان در دنیا بفهمانند و *لا خوف علیهم* از این دو بند رهایی پیدا کرده اند نه خوف دارند و نه حزن، اینها نزد پروردگار مرتزق هستند. شهدا چنین هستند. شهداء دائما «الهام بخش هستند، شهدا در قلوب همه مردم زنده هستند، شهدا در نزد خدا پایدار و زنده هستند. این تحول و این انقلاب شهادت که یک انسان آلوده و ساقط را یک مرتبه بالا می برد. این خاصیت شهادت است. همان جوان، زن، مرد که دائما «در اندیشه تأمین لذات و شهوات مادی است یک مرتبه از جا کنده می شود، وقتی که به میدان شهادت آمد وقتی که دیدش وسیع شد، این انسان چنان اوج می گیرد که همه غرایز را به جا می گذارد یک انسان ساقط شهوانی و گرفتار غرایز می شود، یک انسان عالی قدری که پر و بال

می‌گشاید و به طرف خدا حرکت می‌کند و مردمی را به دنبال خود می‌کشد، این خاصیت شهدا است. هر ملتی اگر سست شد، اگر تن به ذلت می‌خواهد بدهد اگر تن به تحمیلات و بندها می‌خواهد بدهد، شهدا در وجدانهای یک یک مردم چهره نشان می‌دهند و نجات می‌دهند از جا برمی‌انگیزند. شهدای ۱۷ شهریور ما چنین بودند رژیم و پشتیبانان آن و عوامل خارجی آن گمان می‌کردند از مدتهایی که فرهنگش را تحمیل کرده، اقتصادش را تحمیل کرده، جوانهای ما را ساقط کرده به شهوترانی و خوشگذرانی و لذات و بی‌بندی و بی‌حسابی و بی‌قیدی کشانده. خیال می‌کرد این ملت ساقط شد تمام شد ولی ۱۷ شهریور نشان داد که این ملت از جا بلند شده با همه عوامل سقوط، با همه بندها، با همه قیدهای اخلاقی و فرهنگی و اقتصادی تحمیل شده، بندها را باز کرد و در مقابل گلوله‌ها و در مقابل تانکها با مشت گره کرده و فریاد "الله اکبر" دنیا را تکان داد به آنها فهماندند که ما زنده ایم ما به خودمان متکی هستیم و دنبال رهبری قاطع خودمان هستیم و دنبال انبیا و اولیاء شهدای گذشته، از میدان کربلا گرفته تا این مسیر تاریخ ما دنبال آنها حرکت می‌کنیم این عظمتی بود که در چنین روزی مسلمان ایرانی جوان ما، زن ما، مرد ما، دختر ما و پسر ما، این وثیقه‌ای بود که برای ما گذاشتند. امروز ما در بالای تربت اینها هستیم در مزار آنها هستیم این آمدن غیر از زیارتها و فاتحه خوانیهای سنتی و معمولی است. این آمدن برای این بود که تجدید عهد کنیم. ای بچه‌هایی که در این خاک خفته‌اید، ای جوانانی که با گلوله دشمن تنهای شما و قلبهای شما دریده شد ای زنهای بزرگوار که به میدان ریختید و بچه‌ها را به بغل گرفتید و در مقابل گلوله‌ها شتافتید ما آمدیم بعد از یک سال با شما تجدید میثاق کنیم. خون شما میثاق ما است، فریاد الله اکبر شما میثاق ما است، آن هدفی که شما دنبال کردید در مقابل طاغوت و برای آزادی انسانهای ایران و مسلمانان و همه انسانهای دنیا. ما با شما تجدید پیوند و تجدید عهد می‌کنیم که ما همانرا تعقیب خواهیم کرد و ما در زیر این آفتاب سوزان و در میان این جمعیت و کنار مزار شما آمدیم تجدید پیمان کنیم، تجدید پیمان در مقابل هر گونه استبداد و به هر شرط تجدید پیمان در مقابل هر گونه استثمار و استعمار، تجدید پیمان برای آزادی همه بشر و همه مردم، تجدید پیمان برای پیاده کردن احکام عالییه اسلام و قرآن که مدت‌ها در زیر خاک‌ها مانده بود و فقط برای قرائت، تجدید پیمان برای زنده کردن قرآن زنده کردن احکام

اسلام، زنده کردن قوانینی که بشر را باید زنده کند برای این جمع شدیم باشما پیما
می بندیم در آن روزی که شما آماده شدید که سینه سپر کنید و خودتان را در مقابل
گلوله قرار بدهید بزرگترین و عظیم ترین کار تاریخ را کردید، رژیم را با آن همه
سلاحها از پا درآوردید درود خدا و درود همه ما بر شما باد. اتقوا یوم تحشرون
فیه الی الله و توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون.

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا جاء نصر الله والفتح و رايت الناس یدخلون فی دین الله افواجا . فسبح بحمد
ربک و استغفره انه کان توابا . غفر الله لنا و لکم و لجميع المؤمنین و حشرنا مع اولیائهم
والشهداء و الصالحین و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته .

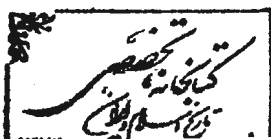
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین
کفروا بریهم یعدلون الصلوة و السلام علی عبده و رسوله المنتجب و نبیه الذی ارسله
بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون و لو کره الکافرون
النبی الخاتم ابی القاسم محمد و علی اله الطیبین الطاهرین المعصومین المنتجبین
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم "الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه -
مکتوبا " عندهم فی التورات و الانجیل یا مرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحل
لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الا غلال التی كانت
علیهم فالذین امنوا به و عزروه و نصره و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم -
المفلحون " (۱۴)

کسانی که این پیامبر بزرگوار و این رهبر عالیقدر انسانیت را پیروی کردند
آن پیامبری که عامی بود یعنی از میان توده مردم برخاست از میان بیسوادها
برای آنها و به نفع آنها نه از میان یک گروه خاص و طبقه معین آیه الرسول النبی
الامی همان پیامبری که پیامبران دیگر چشم به راه ما بودند که وحی اونها و رسالت
اونها تکمیل بشود. آیه یجدونه مکتوبا " عندهم فی التورات و الانجیل . همان
پیامبری که آمد تا مردم را به معروف و نیکو و از منکر باز دارد همان پیامبری که
آمد همه آنچه را که ادیان گذشته تحریم کرده بودند از طیبات به مردم حلال کند

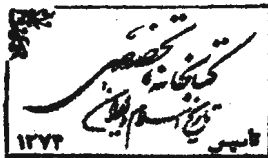
این قیدها را بردارد و آنچه خبیث است حرام کند آیه و یضع عنهم/صرهم، بارهای سنگینی که به دوش بشر بوده است بردارد و پلهایی که فکر و اندیشه مردم را و زندگی و حیات مردم را بسته بود بگشاید این هدف این نبی بود تحلیل طبیات، امر به معروف، نهی از منکر، تحلیل طبیات، تحریم خوارج، برداشتن اصر ها و پیل ها، اصر یعنی چه؟ یعنی بار سنگین، باری که محکم بسته شده، آن تحمیلات فکری و اندیشه‌ایی و عقیده‌ایی که دنیای شرک و کفر بر افکار و اندیشه‌های مردم تحمیل کرده بود، آن نظام طبقاتی که بر توده مردم تحمیل و بسته شده بود، آن قوانین و آداب و سنتی که مردم را زیر بار تحمیلات کمرشکن کرده بود و آن غلله‌ایی که دست و پای فکر و حرکت مردم را بسته بود، این پیامبر آمد همه اینها را بردارد و این غلله‌ها را بگشاید. این هدف این پیامبر بود یعنی آزاد کردن مردم، آزاد کردن از تحمیلات طبقاتی، آزاد کردن از اندیشه‌های شرکی که تحمیل شده بود، آزاد کردن از احکام و قوانینی که به سود یک گروه، یک طبقه بر دیگران تحمیل شده، این رسالت پیامبر شما بود، ما هم باید دنبال همین رسالت باشیم. این شهداء هم دنبال همین رسالت بودند، در مقابل فرهنگ تحمیلی، در برابر اقتصاد تحمیلی، در برابر قوانین تحمیلی، در برابر محدودیت‌های پلیسی که گاهی به اسم دین بر مردم تحمیل می‌شد که از همه خطرناکتر بود. یعنی آنچه را که احبار و رهبان و همکاری آنها با طبقات ممتاز بر مردم تحمیل کرده بودند به نام دین. این خطرناکترین تحمیلات است یعنی آنچه که از خدا نیست، از جانب حق نیست، آنها را به اسم خدا و به دست و پای مردم ببندند و مردم را از حرکت حیاتی بازدارند، حق اعتراض به کسی ندهند، حق انتقاد ندهند، حق فعالیت آزاد به مردم و مسلمانها و مردم آزاده دنیا ندهند این هم "اصر" است. این هم اغل است. این اغلله‌ایی است که پیامبر مبعوث شد او را بشر دچار این همه غلله‌ها را نجات داد تا ما دنبال این پیامبر هم خودمون را نجات بدهیم هم دیگران را نجات بدهیم. دعوت اسلام دعوت به رحمت و آزادی است. در اول هر سوره بنام دورحمت، رحمت واسعه و رحمت خاص شروع می‌کند بسم الله الرحمن الرحیم و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین. تو رحمتی، رحمت برای همه مردم. همان گناهکاری که محکوم به اعدام می‌شود به قانون اسلام هم برای خودش رحمت است که گناهانش شسته بشود از شر باقیمانده‌اش، مردم آزاد بشوند هم رحمت به دیگران. جهادش رحمت، هجرتش

رحمت، قوانینش رحمت، هدایتش براساس رحمت، نظام اسلامی می‌خواهیم که در پرتو رحمت باشد. ما اگر همان رسالت رحمت‌الهی را درباره مردم خودمان و دیگران در مرحله اول اجرا بکنیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود بسیاری از این تشنجات از میان می‌رود هنوز مردم مستضعف ما در داخل و مرکز و اطراف و انحاء کشور باور نمی‌کنند که رسالت اسلام و انقلاب ما برای آزادی است، چون عمل کمتر دیده‌اند در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد اگر ما بجای پس‌گیری پیش‌گیری می‌کردیم، اگر آنوقتی که من به سنج رفتیم با دودستانمان عمل می‌کردم با حفظ رحمت و در پرتو رحمت با اینها تماس می‌گرفتیم و بندها از اینها بر می‌داشتند اون بندهایی که بر آنها تحمیل شده و آنچه که رژیم غدار طاغوت بر آنها تحمیل کرده بود شاید این مسائل یا پیش نمی‌آمد یا کمتر پیش می‌آمد همین طور نسبت به دیگران و نسبت به همه ولی ما هنوز هدف اسلام را تشخیص ندادیم همه می‌گوئیم انقلاب اسلام، بپرسید هدف اسلام چیه؟ این گروه، اون گروه، اون گروه یکفر بعضم بعضا این اون را تکذیب می‌کند، این به اون می‌گوید مرتجع، این به اون می‌گوید انحرافی ولی هنوز مشخص نشد اسلام چه می‌خواهد، منظور اسلام چیست؟ اگر هدفها تشخیص داده بشود، اگر راه به طرف هدف باز شود بسیاری از این درگیرها تخفیف پیدا می‌کند، آن وقت مشخص می‌شود که این برادر کرد آیا واقعا "ضد انقلاب بوده یا او را با شعارهایی که در زمینه اغلها و اضرهای مادی و فرهنگی نگه داشتند شعار می‌دهد او را فریب می‌دهند، مجذوبش می‌کنند و به طرف خودش جذب می‌کند راه تبلیغات علیه دولت و رهبری و این شهدای ما و این مردم انقلابی ما که این قدر در اینجا زیر این آفتاب جمع شده‌اند از توده مردم راه انقلاب را اونها عملا "باید به مردم نشان بدهند باید از همان قدم اول، روز اولی که رژیم سقوط کرد ما پرچم رحمت را باز کنیم و با عمل نشان بدهیم اون کسانی که هنوز می‌خواهند حقوقهای زیاد در ادارات بگیرند و بنشینند و کار نکنند اینها را ببریم دنبال کار و به زندگی مردم مستضعفین، مسکن، زندگی آنقدری که می‌توانیم برسیم و از این کاغذ بازبها دست برداریم اگر می‌کردیم بسیاری از مسائل حل می‌شد. من قول می‌دادم حل میشد. صدها بار من گفتم که مسئله شورا از اساسی‌ترین مسئله اسلامی است حتی به پیامبرش با عظمت می‌گوید با این مردم مشورت کن به اینها



شخصیت بده بدانند که مسئولیت دارند متکی به شخص رهبر نباشند ولی نه اینکه نکردند می دانم چرا نکردند هنوز در مجلس خبرگان بحث می کنند در این اصل اساسی قرآن که به چه صورت پیاده بشود! باید؟ شاید؟ یا اینکه می توانند؟ نه! این اصل اسلامی است یعنی همه مردم از خانه و زندگی و واحدها باید با هم مشورت کنند در کارشان. علی می فرمود من استبد برآیه هلاک. هر کس استبداد کند در کارهای خودش هلاک می شود. من شاور الرجال شاورکهم فی عقولهم. وقتی من یک دید دارم با یک نفر شما دو نفر، ده نفر، وقتی مشورت می کنم ده دید پیدا می کنم ده عقل به عقل خودم ضمیمه می کنم چرا نمی شود نمی دانم امام دستور می دهد، ما فریاد می کشیم، دولت هم تصویب می کند ولی عملی نمی شود. مگر در سنجیدگی که این شورای نیمبند تشکیل شد ضروری به جایی رسید؟ و می بینم که اونجا نسبتاً " از همه جای کردستان آرامتر است یعنی گروه های افراد دست اندرکار، شاید اینطور تشخیص بدهند که اگر شورا تشکیل بشود دیگر ما چه کاره هستیم شما هیچی بروید دنبال کارتان بگذارید این مردم مسئولیت پیدا کنند این مردم که کشته دادند اینهایی که اینجا خوابیده اند از همین توده های جنوب شهر بودند منطبق اینها بود. می گویند در کارخانه ها اخلاص می شود، خوب یک مرتبه اخلاص بشود آن اصل مهمتر از این است که در یک کارخانه اخلاص بشود در کاخانه اخلاص شد، شورا را تعطیل کنید چرا؟ و امرهم شورا بینهم. در اجرائیات، پیامبر با اون عظمتش می نشست با مسلمانها در جنگ بدر، جنگ احد، جنگ خندق شما نظراتون چیست از شهر خارج شویم یا در شهر بمانیم شما نظرتون در جنگ خندق چیست خرماها را به یک عده از قبائل عرب بدهیم اینها بروند کنار تا بین اینها اختلاف ایجاد بشود یا ندهیم؟ در جنگ بدر که آماده جنگ نبودیم جنگ کنیم یا نکنیم وقتی آنها می گویند که یا رسول الله ما آن وقتی در پرتو اسلام نبودیم مقابل دشمن می رفتیم حالا چرا در خانه در میان شهر بنشینیم می فرماید بفرمایید، بروید. یا رسول الله آن وقتی که ما مسلمان نبودیم، موحد نبودیم، به عربها باج نمی دادیم حالا باج خرما بدهیم به اینها، می فرماید نمی جنگیم. شما نظرتون اینه، می جنگیم. این کاری است که باید همه مردم بکنند می فرماید ما برای جنگ نیامدیم در بدر این همه قشونی که حرکت کردند با تجهیزات از مکه ما شاید تاب و توان آنها را نداشته باشیم بجنگیم یا نجنگیم؟ مقدار عرض می کند یا رسول الله ما با شما بیعت کردیم

دست ما را بگیر به دریا پرت کن به هر جا که می خواهی پرت کن و به هر موجی می خواهی بسپار ما دنبال تو هستیم می جنگیم به اسم خدا، و فتح هم می کردند چون همه مسئولیت قبول می کردند ولی وقتی مردم از مسئولیت خارج شدند شما برادر، شما کاسب، شما کارگر، شما بازاری، شما کشاورز بگویید خوب به ما چه دارن کارشان را می کنند نه وظیفه یک یک از شما است و اگر می کردیم و اگر می کردیم و اگر می کردیم که خیلی زمینه برای کارها داشتیم و هنوز هم داریم بیشتر این تشنجات، این فرصت طلبهای عوامل ضدانقلاب و خارجی را، زبانشان را می بستیم و سلاح از دستشان می گرفتیم ولی متأسفانه دیر شد ولی هنوز هم دیر نشده همانطوریکه جلوی توپ و تانک رفتید، این مسئولیتها را دارید شما، این به عهده شماست. شاید بعضی از دوستان ما بگویند آقا شما چرا این مسائل را در میان توده مردم مطرح می کنید بیاید در مجلس خبرگان. می گویم بین مولکین شما من مطرح می کنم. اینها هستند ما را وکیل کردند، می دانند برای چه وکیل کردند ما وظیفه و مسئولیت نسبت به اینها داریم. باید دردها، اندیشهها، بدبختیها، ناراحتیها، عقب ماندگیهای این مردم را جبران کنیم با قوانین نجات بخش و حیات بخش اسلامی. امیدوارم که همه ما هشیار بشویم، فرد فرد ما مسئولیت قبول کنیم و این مسائل عظیم اسلامی را پیاده بکنیم. خود رأیی و خودخواهی را کنار بگذاریم، گروه گرائی و فرصت طلبی و تحمیل عقیده و یا خدایی نخواستہ استبداد زیر پرده دین را کنار بگذاریم و بیاییم با مردم، با دردمندا، با رنج کشیدهها، با محروم ها همصدا بشویم. خداوند همه ما را بیامزد. اللهم اغفر لنا و لوالدینا و لجميع المومنین و المومنات و لاتزد الظالمین الا تبارا". بسم الله الرحمن الرحیم، والعصر، ان الانسان لفسق خسر، الا الذین امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر. خدا همه ما را به راه راست و راه مستقیم نه راه چپ و نه راه راست مقابل چپ، هدایت کند. رحمت های ما را در مسائلی که برای مردم و در راه خیر مردم است الهام ببخشد. رهبر عالیقدر ما را در راه خیر و صلاح و آزادی مردم تأیید بفرماید و همه ما را قدر دان این خونهای شهدا و پیمانهای که خون اینها با ما بسته اند بدارد. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.



پاورقی‌ها

- ۱- سوره جمعه آیه ۹
- ۲- سوره مائده آیه ۸
- ۳- سوره زمر آیه ۱۸
- ۴- دعای افتتاح
- ۵- آل عمران ۱۰۲
- ۶- سوره انعام آیه ۱۶۲
- ۷- سوره انفال آیه ۲۴
- ۸- سوره بقره آیه ۱۴۳
- ۹- سوره اسراء آیه ۱
- ۱۰- سوره اسراء آیه ۲
- ۱۱- خطبه ۱۶ نهج البلاغه
- ۱۲- بقره ۱۵۴
- ۱۳- آل عمران ۱۶۸
- ۱۴- اعراف ۱۵۷